

## چارچوبی روش شناختی در شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهش پیرامون «خاطره جمعی» در شهر ایرانی با اتخاذ رویکرد مسئله-محور\*

سید عبدالهادی دانشپور

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: daneshpour@iust.ac.ir

مهران علی الحسابی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

E-mail: alalhesabi@iust.ac.ir

مصطفی حسینی کومله

پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

E-mail: mostafa\_name@yahoo.com

### چکیده

مخدوش شدن ساختارهای کالبدی-فعالیتی خاطره‌انگیز، تخریب بافت‌های تاریخی، تغییر شیوه زندگی و آسیب‌های جدی وارده به زیست‌بوم خاطره‌انگیز در پی فرآیند مدرنیزاسیون در شهرهای ایرانی، خاطرات جمعی را با چالش‌های گسترده‌ای روبرو ساخته است. هدف نوشتار حاضر، پیشنهاد چارچوب روش شناختی انتخاب مسائل واجد ارزش پژوهش، پیرامون «خاطره جمعی در شهر ایرانی» و روش پژوهش، کیفی و ترکیبی از رویکرد موردپژوهی (مسائل واجد ارزش پژوهشی دکتری شهرسازی در زمینه «خاطره جمعی») و فراترکیب کیفی مطالعات صورت‌پذیرفته در زمینه خاطرات جمعی است. در این نوشتار ضمن تأکید بر دیالکتیک عام و خاص پژوهش (آموختن علم به مفهوم جهان‌شمول و بازتولیدش در بستری محلی)، با استفاده از چارچوب روش شناختی سه‌مرحله‌ای پیشنهادی («تهیه فهرست اولیه مسائل»، «برشماری مسائل واجد ارزش پژوهش» بر پایه ارزیابی چهار-مرحله‌ای و «تدوین شناسنامه مسائل و ترسیم طرحواره پژوهش‌های پیشنهادی»)، هفت مسئله «انتقال معنا و تداوم خاطره در شهرهای معاصر»، «برهم‌خوردن تعادل تغییر، تداوم و ثبات و چالش تولید خاطره»، «عدم پیوند خاطرات با تجارب زیسته»، «فاصله به‌خاطر آوردگان با بستر مکانی خاطرات»، «خاطره‌زدایی به بهانه مدرنیزاسیون یا انتفاع اقتصادی»، «تغییر سبک زندگی و اثرات آن بر خاطرات جمعی» و «معارضه‌جویی معاصر انسان ایرانی» به عنوان مسائل واجد ارزش پژوهش پیرامون خاطره جمعی در شهر ایرانی شناسایی گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** خاطره جمعی، پژوهش مسئله-محور، مسئله واجد ارزش پژوهشی، دیالکتیک عام و خاص پژوهش

\* این پژوهش برگرفته از رساله دکتری شهرسازی مصطفی حسینی کومله با عنوان «رهیافتی نظری به نقش خاطره جمعی در تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی در محلات مرکزی شهر تهران» است که با راهنمایی دکتر سیدعبدالهادی دانشپور و دکتر مهران علی الحسابی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران در حال انجام است.

## مقدمه

در دوران حاکمیت پارادایم مدرن به جهان اندیشه و رشد خردباوری پوزیتیویستی، غلبه نگاه کمی و رویکرد عملکردگرای صرف به نگاه کیفی، کل گرایانه و معناگرا، از میان رفتن انسجام ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و انسانی شهرها و تبدیل شدن خانه و شهر به ماشینی برای زندگی و سکونت مدرن، مواجهه ایران با تجدد (به مثابه یک معارضه-جویی معاصر)، شهرها و زیستگاه‌های انسانی را با خطر فروپاشی ارزش‌ها و دگرگونی آداب فکری و زیستی و تغییر رابطه انسان با جهان و طبیعت روبرو ساخته و انسجام دیرینه کالبدی، اجتماعی و فرهنگی را در این زیستگاه‌ها از میان برده است. در چنین شرایطی، خاطرات جمعی شهروندان رو به فراموشی نهاده شده و با شهرهایی بیگانه با گذشته روبرو هستیم که روح و مفهوم آنها به کلی دگرگون شده است. تخریب بافت‌ها و بناهای تاریخی، مخدوش شدن ساختارهای کالبدی و فعالیت‌های خاطره‌انگیز در کنار تغییر شیوه زندگی و آسیب‌های جدی وارده به زیست‌بوم خاطره‌انگیز در پی فرآیند مدرنیزاسیون در شهرهای ایرانی از جمله شواهد این دگرگونی و تغییر نظام خاطره‌ای و معنایی شهر و به عبارتی کلی‌تر معارضه‌جویی معاصر شهرهای ایرانی به تعبیر داریوش شایگان است (شایگان، ۱۳۹۳). تغییری که بر ضرورت پژوهش در زمینه مسائل مرتبط با خاطره جمعی در شهر ایرانی دلالت می‌کند و بنابراین برشماری چالش‌های خاطره جمعی در چارچوب توجه به اصالت سرزمینی پژوهش از اهمیتی دوچندان برخوردار می‌گردد. تدوین چارچوبی روش‌شناختی در انتخاب مسائل واجد ارزش پژوهش و انتخاب موضوع رساله دکتری پیرامون چالش‌های مرتبط با خاطره جمعی در شهر ایرانی، در حالی به عنوان یک تجربه زیسته پژوهشی مورد توجه نگارندگان قرار گرفته است که امروزه انتخاب موضوعات واجد ارزش پژوهش به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و دانش‌های میان‌رشته‌ای همچون طراحی و برنامه‌ریزی شهری، معماری و علوم محیطی دغدغه جدی پژوهشگران به شمار می‌رود و این خطر وجود دارد که انتخاب مسئله پژوهش با اتکا به روش‌های تصادفی و سلیقه‌محور بر پایه پیشینه علمی غیرمرتبط با زمینه بومی صورت پذیرفته و در پی آن تعریف پژوهش‌های فاقد اصالت سرزمینی، نظریه‌پردازی را با چالش مواجه ساخته و شکاف نظریه و عمل را در این حوزه‌ها عمیق‌تر کند. به عبارت دیگر، نوشتار حاضر با تأکید بر دیالکتیک عام و خاص پژوهش (آموختن علم به مفهوم جهان‌شمول و بازتولیدش در بستری محلی)، بر پایه نگاهی روش‌شناختی به شیوه برشماری مسائل واجد ارزش پژوهشی در علوم میان‌رشته‌ای، تمرکز خاصی بر برشماری مسائل واجد ارزش پژوهشی پیرامون موضوع عام «خاطره جمعی در شهر ایرانی» دارد.

## روش پژوهش

هدف غایی پژوهش حاضر، دستیابی به مسائل واجد ارزش پژوهش پیرامون «خاطره جمعی» در شهر ایرانی است، و در این راستا، تدوین یک نظریه روش‌شناختی پیرامون شیوه برشماری و انتخاب مسائل واجد ارزش پژوهشی در دانش‌های میان‌رشته‌ای به عنوان یک هدف فرعی مدنظر قرار گرفته است. پژوهش، کیفی است و روش مورد استفاده در آن ترکیبی از رویکرد موردپژوهی (مطالعه موردی یک تجربه مشخص پیرامون برشماری مسائل واجد ارزش پژوهشی و انتخاب موضوع پژوهش دکتری شهرسازی در زمینه «خاطره جمعی»)، فراترکیب کیفی مطالعات داخلی صورت‌پذیرفته در زمینه خاطرات جمعی با نگاهی تحلیلی به نوشتگان مرتبط با پژوهش مسئله-محور و شیوه شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهشی است. با عنایت به ضرورت رعایت اصالت بومی پژوهش، لزوم اتکا به پژوهش مسئله-محور و شناسایی مسائل واقعی بستر سرزمینی ایران، ضمن فراترکیب مطالعات صورت‌پذیرفته در زمینه خاطرات جمعی در ایران، مطالعه‌ای در زمینه شیوه احصای مسائل واجد ارزش پژوهشی بر روی متون روش‌شناختی صورت‌پذیرفته و نتایج آن، به صورت عینی در یک مطالعه موردی

واقعی انتخاب موضوع رساله دکتری مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در این مطالعه در دو بخش از فراترکیب کیفی استفاده شده است: آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه خاطره از حیث میزان توجه به مسائل واجد ارزش پژوهش و اصالت بومی در ابتدای بحث و ارزیابی مسائل اولیه شناسایی شده در زمینه خاطره جمعی از حیث ارزش پژوهشی در بخش تدوین چارچوب روش‌شناختی و مطالعه موردی. علت انتخاب فراترکیب به عنوان یک روش، تمرکز آن بر یافته‌های عمدتاً کیفی سایر پژوهش‌ها و ترکیب این یافته‌ها با هدف ارائه تفسیر جدیدی از پدیده مورد مطالعه است. در اینجا هدف اساسی فراترکیب، شناسایی شکاف‌ها و خلأهای موجود در پژوهش‌های مرتبط با خاطره جمعی و شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهشی در این زمینه و مراحل آن، تنظیم پرسش، بررسی نظام‌مند متون، انتخاب منابع مناسب، استخراج اطلاعات، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها، کنترل کیفیت (از طریق ابزار گلین) و ارائه یافته‌هاست (عابدی جعفری و امیری، ۱۳۹۸؛ باغ‌میرانی و دیگران، ۱۳۹۷؛ Glynn, 2006).

به منظور حصول اطمینان از اعتبار پژوهش بر پایه مدل اعتمادپذیری<sup>۱</sup> لینکلن و گوبا، به منظور اطمینان از باورپذیری<sup>۲</sup> از راهبرد همه‌جانبه‌نگری<sup>۳</sup> (بر پایه استفاده از منابع چندگانه‌ای نظیر متون روش‌شناختی و موردپژوهی) و «ممیزی بیرونی»<sup>۴</sup> (به معنای نظرخواهی از متخصصان و خبرگان بیرون از دامنه پژوهش<sup>۵</sup>) استفاده شده و همچنین جهت اطمینان از انتقال‌پذیری<sup>۶</sup> و تعمیم‌پذیری<sup>۷</sup>، راهبرد «توصیف پرمایه و غنی»<sup>۸</sup> از طریق کاربست عینی مدل روش‌شناختی در نمونه موردی مطالعه به کار آمده است (دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۰، ۱۵۵-۱۵۶؛ کرسول، ۱۳۹۱، ۲۴۷-۲۵۶؛ Linkoln & Guba, 1985).

## پیشینه پژوهش‌های مرتبط با خاطره جمعی و چالش‌های آن

### در بستر سرزمینی-فرهنگی ایران

سابقه طرح مفهوم خاطره جمعی به اثر مشهور موریس هالبواکس<sup>۸</sup> (چارچوب اجتماعی خاطره) در سال ۱۹۲۵ می‌رسد (Halbwachs, 1992). هالبواکس به خاطره به عنوان یک ظرفیت روان‌شناختی می‌نگرد که به طور اجتماعی بروز می‌یابد. از دید او خاطره جمعی، خاطره همیشگی یک گروه و به‌یادآوری گزینشی توافق شده میان اعضای آن گروه است؛ ریشه در تجارب اجتماعی ملموس دارد، در پیوند با چارچوب‌های فضایی-مکانی است و با استفاده از پیوند فرد به سنت‌های خانوادگی، عادات طبقاتی، باورهای مذهبی یا مکان‌های خاص به تجربه جهت می‌دهد (Halbwachs, 1980). پس از او جامعه‌شناسان دیگری همچون آیرمن<sup>۹</sup>، گیسن<sup>۱۰</sup>، میزنتال<sup>۱۱</sup> و الیک<sup>۱۲</sup> و فلاسفه‌ای چون ادوارد کیسی<sup>۱۳</sup> نیز به مطالعه مفهوم خاطره جمعی و پیامدهای آن در اجتماع از زوایای گوناگونی پرداخته‌اند.

مفهوم خاطره جمعی محدود به ساحت علوم انسانی-اجتماعی نماند و به‌تدریج وارد نوشتگان معماری و طراحی شهری گردید. آلدو روسی<sup>۱۴</sup> (از پیشگامان طرح مفهوم خاطره جمعی در نوشتگان معماری و شهرسازی)، شهر را تجلیگاه خاطره جمعی می‌داند و از پیوند خاطره با اشیاء و مکان‌ها سخن می‌گوید. او «روح شهر» را در توصیف تاریخ شهر به کار می‌گیرد و آن را مترادف هویت تعریف‌شده و خاطره شهر معرفی می‌کند. روسی با دسته‌بندی عناصر شکل‌دهنده ساختار شهر به تیپ و مونومان، بر تیپ‌ها به عنوان قانون‌مندی حاکم بر شهر و ضامن تداوم و پیوستگی آن تاکید کرده و مونومان‌ها را به عنوان عناصر شاخص به‌جامانده از گذشته و حامل خاطره جمعی ضامن حفظ روح شهر به رغم تغییرات می‌داند (Rossi, 1982). همچنین کریستین بویر<sup>۱۵</sup>، با نگارش کتاب «شهر خاطره جمعی»، در دهه ۱۹۹۰، ضمن بررسی وضعیت خاطره در شهر اواخر قرن بیستم، به مطالعه نقادانه دوران مدرن و پست مدرن و نگاه متمایزشان به مفاهیمی چون گذشته، خاطره و تاریخ

می‌پردازد. بویر، ضمن یادآوری این تعبیر هالبواکس که «جایی که سنت به پایان می‌رسد، تاریخ آغاز می‌شود»، به نقد نگاه موزه‌ای به خاطره پرداخته و بر لزوم پیوند خاطرات جمعی با تجارب زیسته و فرارگیری خاطره در بستر فضایی-مکانی خود تأکید می‌کند (Boyer, 1994).

با ذکر این مقدمه، علیرغم سابقه حدوداً صدساله موضوع خاطره جمعی در پژوهش‌های جهانی، پژوهش‌های داخلی انجام شده در این زمینه محدود هستند و البته در سال‌های اخیر گسترش یافته‌اند. در این بخش، فراترکیب کیفی این پژوهش‌ها از طریق تحلیل بیان مسئله، اهداف و یافته‌های آنها صورت می‌پذیرد. مطابق مراحل هفت‌گانه فراترکیب، پرسش این فراترکیب پیرامون اصالت بومی پژوهش‌های یادشده و ارتباط آنها با چالش‌های خاطره جمعی در ایران، و منابع مرتبط با آن با جستجوی پیرامون کلیدواژه «خاطره جمعی» یا «خاطرات جمعی» در تمامی پژوهش‌های مرتبط با بستر سرزمینی ایران انتخاب گردیده‌اند. بدین منظور، جستجوی کلیدواژه‌ها در یکی از پایگاه‌های معتبر نشریات علمی-پژوهشی ایران (پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی) و همچنین جستجوی فارسی و لاتین در جستجوگر گوگل به عنوان ابزار مکمل منجر به شناسایی ۱۲ مقاله در زمینه خاطرات جمعی در شهرهای ایرانی گردید (حبیبی، ۱۳۷۸؛ میرمقتدایی، ۱۳۸۸؛ اسماعیلیان و رنجبر، ۱۳۹۲؛ حسینی کومله و ستوده علمباز، ۱۳۹۲؛ مدیری و اشرفی زنجانی، ۱۳۹۳؛ عنانهاد و دیگران، ۱۳۹۸؛ حسنی میان‌رودی و دیگران، ۱۳۹۶؛ گلرخ و باقری، ۱۳۹۹؛ سلطانی، ۱۳۹۹؛ غنایی و رازقی، ۱۳۹۹؛ Hosseini Koumleh & Sotoudeh Alambaz, 2009; Lak & Hakimian, 2019).<sup>۱۶</sup> استخراج اطلاعات و تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها با تأکید بر بیان مسئله، هدف و یافته‌های پژوهش صورت می‌پذیرد. کنترل کیفیت یافته‌ها از طریق چک لیست گلین بر پایه معیارهای چهارگانه جامعه آماری، گردآوری داده‌ها، طرح تحقیق و نتایج صورت پذیرفته و یافته‌ها در ادامه ارائه گردیده است.

حبیبی (۱۳۷۸) در نوشتار «فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی» روایتی قصه‌گونه از فضای شهری به عنوان مکان شکل‌گیری حیات واقعه‌ای و انباشت خاطره‌های فردی و اجتماعی دارد. این نوشتار با ساختار توصیفی-تمثیلی خود، به صورت تلویحی به مسئله آشنایی‌زدایی از شهر و مکان و نابودی مکان مادی تبلور خاطره جمعی اشاره می‌کند. هرچند این اشاره کلی است و در ادامه مقاله به روشنی موردبحث قرار نمی‌گیرد. از این‌رو نوشتار در سطح عام مفهوم خاطره باقی مانده و به حسب ماهیتش، به ملاحظات خاص سرزمینی نمی‌پردازد. حسینی کومله و ستوده علمباز (۱۳۹۲) در مقاله «نقش خاطره جمعی در باززنده‌سازی بافت‌های شهری، ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان» با اشاره به امکان بهره‌گیری از خاطره در باززنده‌سازی شهری به عنوان مسئله پژوهش، از «انسجام اجتماعی»، «حس تعلق» و «حس مکان» به عنوان کارکردهای اجتماعی خاطره یاد کرده و بر نقش خاطره جمعی از طریق این کارکردها در باززنده‌سازی شهری تأکید می‌کنند. هرچند در این پژوهش، به واسطه تمرکز بر مطالعه موردی ناحیه تاریخی لاهیجان، تلاش بر این بوده که به ویژگی‌های بومی خاطره پرداخته شود، با این وجود، چارچوب نظری مقاله مبتنی بر ویژگی‌های اثباتی خاطره و منبعث از تئوری‌های فرابومی است. حسینی کومله و ستوده علمباز (2009) در مقاله‌ای دیگر به کندوکاوی نظری در زمینه روش‌ها و تکنیک‌های به‌کارگیری خاطره جمعی در راستای ارتقای پایداری اماکن شهری به عنوان یک مسئله عملی پرداخته و بر «حفاظت» و «بازنمایی» به عنوان دو رویکرد اصلی تأکید می‌ورزند. اتکا به پژوهش‌های نظری و تجارب عملی بین‌المللی در این مقاله چشمگیر است و در شناسایی تکنیک‌های بازنمایی خاطرات، اختصاص به بستر سرزمینی ایران روشن نیست. عنانهاد و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود پیرامون «سنجش نقش خاطره جمعی در فرآیند احیای خانه‌ها و بافت قدیمی ساغر‌سازان رشت» به مسئله چگونگی به‌کارگیری خاطرات جمعی در احیای خانه‌ها و بافت‌های قدیمی پرداخته‌اند. هدف

از انجام این پژوهش، جستجوی پیشنهاداتی عملی برای افزایش کیفیت در بافت‌های قدیمی با ارزش است. این پژوهش، به به‌کارگیری مشارکت شهروندان و دریافت نقشه‌های شناختی از آن‌ها، حفاظت از آیین‌ها و برگزاری نمایش‌های آیینی خاطره‌انگیز همچون تعزیه در مکان‌های مذهبی و به‌کارگیری عناصر بومی محله در ساخت و سازهای جدید به عنوان برخی از راهکارها و تمهیدات عملی به‌کارگیری خاطرات جمعی در فرآیند احیای بافت با ارزش اشاره می‌کند. در پژوهشی دیگر نیز، غنائی و رازقی (۱۳۹۹)، مسئله تأثیر مداخلات شهری بر خاطرات جمعی جامعه بومی در بازار تاریخی مشهد را مورد مطالعه قرار داده‌اند. هدف اصلی این پژوهش، ایجاد معرفت و حفاظت از ارزش‌های مرتبط با نقش فرهنگی-تاریخی بازار قدیم مشهد در خاطر ذی‌مدخلان با استفاده از شناخت تأثیرات ناشی از مداخلات شهری بر خاطرات جمعی جامعه بومی بازار تاریخی شهر عنوان گردیده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نحوه تأثیرگذاری مداخلات صورت پذیرفته در بخش به‌جای مانده از بازار تاریخی مشهد (بازار فرش) در مؤلفه‌های گوناگون مکان (کالبد، تصورات، فعالیت و رخدادها) منفی و در مواردی خنثی است. همچنین مدیری و اشرفی زنجانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به چگونگی باززنده‌سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از بلایای طبیعی همچون زلزله پرداخته‌اند. هدف این پژوهش، استخراج رویکردها و استراتژی‌های باززنده‌سازی خاطرات جمعی در فرآیند بازسازی پس از سانحه است. این مقاله، با تکیه بر نقش هویت مکان در شکل‌گیری خاطرات به عنوان زیربنای هویت‌های فردی و جمعی در یک جامعه، به بیان سه استراتژی حفاظت و مرمت، بازخوانی و برنامه‌ریزی رویدادی به عنوان یافته‌های پژوهش می‌پردازد. میرمقتدایی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود، هدف مقاله خود را شناخت مفهوم خاطرات جمعی و چگونگی تبلور آن در فضاهای عمومی شهر عنوان کرده و به دنبال یافتن معیارهای کالبدی و اجتماعی تأثیرگذار در شکل‌گیری خاطرات جمعی در شهر است. او معیارهای یادشده را به دو دسته «امکان شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی» و «امکان ثبت و انتقال خاطره و تاریخ شهر» با تمرکز بر ساختارهای اجتماعی-سیاسی و فضایی-کالبدی تفکیک می‌نماید. در این نوشتار، تأکید بر ویژگی‌های اثباتی خاطره جمعی بوده و ارتباط معیارهای مورد نظر با مسائل سرزمینی ایران به روشنی مشخص نیست. همچنین حسنی میان-رودی و همکاران (۱۳۹۶) ضمن اشاره به ویژگی‌های فضاهای شهری و ارتباط آن با تعاملات اجتماعی، هویت و خاطره، با ارجاع به رولان بارت و اهمیت به‌کارگیری نمادها، هدف مقاله را کشف مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری حس خاطره جمعی و ارائه الگوی نشانه‌شناختی بازیابی خاطره‌انگیزی فضاهای شهری با تمرکز بر میدان حسن‌آباد دانسته و سامانه‌ای از نشانه‌ها را با هدف سنجش میزان خاطره‌انگیزی این میدان ارائه نموده‌اند. این پژوهش نیز هر چند بر خاطره‌انگیزی یک فضای شهری خاص متمرکز است، به علت توجه به مبانی نظری جهان‌شمول، هم در طرح مسئله و هم طراحی نظام نشانه‌ای از نگاه ژرف‌نگرانه بوم-خاست فاصله دارد؛ میزان خاطره‌انگیزی می‌تواند ریشه‌های مکان‌مندتری داشته باشد. لک و حکیمیان (2019) نیز در مطالعه‌ای مشابه با هدف پیشنهاد مدل نظری بازتولید ویژگی‌های خاطره جمعی در فضاهای شهری تاریخی، کوشیده‌اند ضمن بازکاوی مفهوم خاطره در نوشتگان مرتبط با مطالعه‌ای بر روی نمونه آماری محدودی از اهالی محله و میدان بهارستان تهران، ابعاد ذهنی و عینی و مولفه‌های بازتولید خاطره جمعی را شناسایی کنند. اسماعیلیان و رنجبر (۱۳۹۲) در مقاله‌ای مشابه به بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در فضاهای عمومی شهری با تکیه بر میدادین تجریش و بهارستان و میدانچه تئاتر شهر به عنوان نمونه‌های موردی پرداخته‌اند. مسئله پژوهش، نقش مؤثر خاطرات جمعی در ارتقای کیفیت مکان‌های شهری و هدف از انجام آن درک فرآیند شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در سه فضای شهری خاص در تهران ذکر شده است. یافته‌های تحقیق، نقش هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه مکان (معنا، کالبد و فعالیت) را در شکل‌گیری و

انتقال خاطرات جمعی با تأکید بر فضاهای شهری مورد مطالعه نشان می‌دهد. سلطانی (۱۳۹۹)، در پژوهشی به ارتباط مفهومی میان خاطره جمعی و مطالعات تاریخ‌نگاری معماری پرداخته است. این پژوهش با هدف شناخت وجوه مختلف مفهوم خاطره جمعی و نسبت آن با حوزه‌های مختلف مطالعات معماری و بررسی امکان بهره‌گیری از این مفهوم در تاریخ‌نگاری معماری به انجام رسیده و در پایان به مصادیقی از به‌کارگیری مفهوم خاطره جمعی در نخله‌های مختلف مطالعات معماری نظیر مطالعه بناهای مذهبی، تدابیر ایجاد خاطرات در مکان‌ها، طراحی فضاهای یادمانی، مطالعه درباره طراحی فضاهای شهری و موضوعاتی همچون هویت و احساس تعلق در شهرها به عنوان یافته‌های پژوهش اشاره می‌کند. گلرخ و باقری (۱۳۹۹) اما در پژوهشی متفاوت، به یکی از کلیدی‌ترین چالش‌های بازنمایی خاطره جمعی در ایران پرداخته‌اند. مسئله این پژوهش، پیرامون ماهیت سیاسی خاطره و یادمان در بستر ساخت فضای عمومی و تجربه کسبه محلی میدان امام علی (ع) اصفهان در فرآیند بازنمایی و تجسد یادمانی خاطره با نگاه از بالا به پایین و با هدف فراموشی خاطره متأخر است. هدف از این پژوهش، فهم تجربه گروهی از مردم (کسبه قدیمی) است که زندگی‌شان تحت تأثیر بازنمایی خاطره دوردست میدان عتیق قرار گرفته است. این پژوهش چرخشی انتقادی به سمت روایت گروه‌های نادیده گرفته شده در پروژه ساخت میدان امام علی (ع) دارد و بر اساس یافته‌های آن، «وارونگی معنایی یادمان» توصیف‌گر ماهیت تجربه کسبه قدیمی نادیده انگاشته شده از ساخت مکان یادمانی جدید است.

فرا ترکیب این پژوهش‌ها بیانگر تمرکز ویژه آنها بر شناخت مفهوم خاطره جمعی و شیوه‌های به‌کارگیری آنها در شهر، معیارهای سنجش و شکل‌گیری خاطرات، پیامدهای مهم خاطره در باززنده‌سازی شهری و عموماً متکی بر ویژگی‌های اثباتی خاطره جمعی می‌باشند. مطابق جدول ۱، فراترکیب کیفی انجام شده دو یافته مشخص داشته است. نخست اینکه پژوهش‌ها عمدتاً ناظر بر ویژگی‌های اثباتی و عام خاطره جمعی بوده و اختصاص دادن آنها به بستر محلی، صرفاً مرتبط با نمونه‌های موردی است و در بیان مسئله و یافته‌ها تدقیق مکانی کمتر به چشم می‌خورد. دوم اینکه به استثنای دو پژوهش، پژوهش‌ها به چالش‌های خاص خاطره جمعی در شهر ایرانی نپرداخته‌اند. پژوهش مدیری و اشرفی زنجانی (۱۳۹۳) به وضعیت و چالش انتقال خاطره پس از سوانح طبیعی پرداخته و مقاله گلرخ و باقری (۱۳۹۹) بر یکی از چالش‌های خاطره جمعی در ایران (انتقال و بازنمایی خاطره‌های دوردست در دوران معاصر) متمرکز است. از این منظر تلاش برای برشماری چالش‌های مرتبط با خاطره جمعی در شهرهای ایرانی، می‌تواند گامی آغازین برای تعریف پژوهش‌های واجد اصالت سرزمینی به شمار آید.

جدول ۱. فراترکیب پژوهش‌های داخلی انجام شده در زمینه خاطره جمعی

عنوان مقاله	مسئله پژوهش	هدف پژوهش	یافته‌ها	پرسش‌های فراترکیب	
				ارتباط با چالش‌های خاطره در ایران	اصالت سرزمینی پژوهش‌ها
فضای شهری، حیات واقعه-ای و خاطره‌های جمعی (حبیبی، ۱۳۷۸)	اشتباه‌زدایی از شهر و نابودی مکان مادی تیلور خاطره جمعی (اشاره تلویحی)	توصیف روایی و قصه-گونه ارتباط فضای شهری و خاطرات جمعی و رویدادها	روایتی قصه‌گونه از فضای شهری به عنوان مکان شکل-گیری حیات واقعه‌ای و انباشت خاطره‌های فردی و اجتماعی	اشاره تلویحی به چالش عام نابودی مکان تیلور خاطره جمعی	در سطح عام مفهوم خاطره باقی مانده و به ملاحظات سرزمینی نمی‌پردازد
نقش خاطره جمعی در باززنده‌سازی بافت‌های شهری، ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان (حسینی کومله و ستوده علمباز، ۱۳۹۲)	امکان بهره‌گیری از خاطره در باززنده‌سازی شهری	ارائه راهکار در زمینه تسهیل و تسریع در فرایند باززنده‌سازی شهری یا به‌کارگیری خاطرات جمعی	راهکارهای باززنده‌سازی ناحیه تاریخی لاهیجان (مرمت ابنیه تاریخی، یکپارچه‌سازی کالبدی و گرافیک محیطی - حفظ آیین-ها، استفاده از هنرهای همگانی به منظور بازنمایی خاطره)	تأکید بر چالش‌های خاطره نیست؛ بر نقش خاطره در فرایند احیاست	اشاره به ناحیه تاریخی لاهیجان؛ چارچوب نظری مقاله مبتنی بر ویژگی‌های اثباتی خاطره و منبعث از تئوری‌های فرابومی
روش‌ها و تکنیک‌های به‌کارگیری خاطره جمعی در راستای ارتقای پایداری اماکن شهری ( Hosseini & Koulneh & Sotoudeh Alambar, 2009)	امکان به‌کارگیری خاطره جمعی در راستای ارتقای پایداری اماکن شهری	شناسایی رویکردها و تکنیک‌های به‌کارگیری خاطرات جمعی	«حفاظت» و «بازنمایی» به عنوان دو روش و معرفی تکنیک‌های بازنمایی خاطره بر مبنای لایه‌های گوناگون نشانه‌شناختی	چالش‌های پیرامون خاطره جمعی در شهر ایرانی وجود ندارد	انکا به پژوهش‌های نظری و تجارب عملی جهانی و عدم اختصاص به بستر سرزمینی ایران



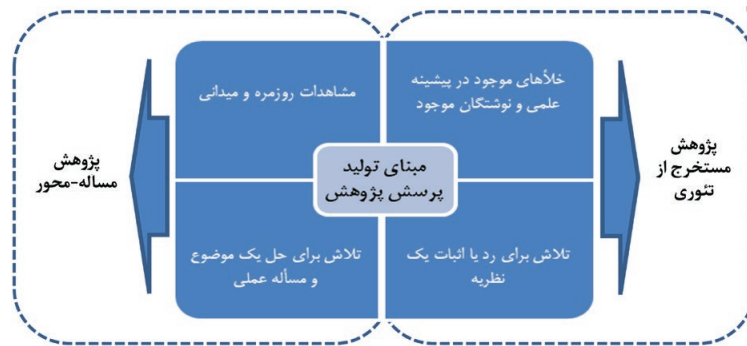
عنوان مقاله	مسئله پژوهش	هدف پژوهش	یافته‌ها	پرسش‌های فراترکیب	
				اصالت سرزمینی پژوهش‌ها	ارتباط با چالش‌های خاطره در ایران
سنجش نقش خاطره جمعی در فرایند احیای خانه‌ها و بافت قدیمی ساغر بسازان رشت (عنابهاد و دیگران، ۱۳۹۸)	چگونگی به‌کارگیری خاطرات جمعی در احیای خانه‌ها و بافت‌های قدیمی	جستجوی پیشنهاداتی عملی برای افزایش کیفیت در بافت‌های قدیمی با ارزش	تعمیرات عملی به‌کارگیری خاطره در فرایند احیای به‌کارگیری مشارکت شهروندان و دریافت نقشه‌های شناختی، حفظ این‌ها به‌عنوان تعزیه و به‌کارگیری عناصر بومی در ساخت‌وسازهای جدید	اشاره به نمونه موردی محله ساغر بسازان رشت	تاکید بر چالش‌های خاطره نیست؛ بر نقش احیاست
تأثیرشناسی مداخلات شهری بر خاطرات جمعی جامعه بومی در بازار تاریخی مشهد (کشانی و زارقی، ۱۳۹۹)	تأثیر مداخلات شهری بر خاطرات جمعی جامعه بومی در بازار تاریخی مشهد	حفاظت از ارزش‌های فرهنگی-تاریخی بازار قدیم مشهد در خاطر ذی‌مدخلان	تأثیر منفی مداخلات صورت پذیرفته در بازار فرش در مؤلفه‌های گوناگون مکان (کالبد، تصورات، فعالیت و رخدادها)	اشاره موردی به بازار تاریخی مشهد	شناسایی تأثیر مداخلات بر خاطره جمعی
باززنده‌سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از بلای طبیعی و... با تکیه بر هویت مکان (مدیری و اشرفی زنجان، ۱۳۹۳)	چگونگی باززنده‌سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از زلزله	استخراج استراتژی‌های باززنده‌سازی خاطره در فرایند بازسازی پس از سانحه	سه استراتژی حفاظت و مرمت، بازخوانی و برنامه‌ریزی رویدادی	پژوهش واجد اصالت سرزمینی است اما اختصاص و تدقیق یافته‌ها در بستر سرزمینی صورت نپذیرفته	اشاره به چالش وضعیت و انتقال خاطره جمعی پس از سوانح طبیعی
معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی (میرمقتدایی، ۱۳۸۸)	یافتن معیارهای کالبدی و اجتماعی تأثیرگذار در شکل‌گیری خاطرات جمعی	شناخت مفهوم خاطرات جمعی و چگونگی تبلور آن در فضاهای عمومی شهر	معیارهای ثبت و شکل‌گیری خاطره؛ «امکان شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی» و «امکان ثبت و انتقال خاطره و تاریخ شهر»	اشاره موردی به تهران و خاطراتش	تاکید بر ویژگی‌های اثباتی خاطره است و چالش‌های خاطره در ایران موضوع بحث نیستند
واکوی مفهوم خاطره جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه‌شناسی (حسنی) میان‌رودی و دیگران، ۱۳۹۶	ویژگی‌های فضاهای شهری و ارتباط آن با تعاملات اجتماعی، هویت و خاطره	کشف مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری حس خاطره جمعی و ارائه الگوی نشانه‌شناسی از بازیابی خاطره انگیزی فضاهای شهری	ارائه سامانه‌ای از نشانه‌ها با هدف سنجش میزان خاطره-انگیزی میدان حسن‌آباد	نمونه موردی، میدان حسن‌آباد است اما میزان خاطره انگیزی می‌تواند ریشه‌های مکان‌مندتری داشته باشد	عمدتاً به ویژگی‌های اثباتی خاطره پرداخته شده است
خاطره جمعی و باززنده‌سازی فضاهای شهری: بازتولید خاطرات در میدان بهارستان تهران (Lak & Hakimian, 2019)	بازتولید خاطره در فضاهای تاریخی شهری	نظری بازتولید ویژگی‌های خاطره جمعی در فضاهای شهری تاریخی	ابعاد ذهنی و عینی خاطره جمعی و مؤلفه‌های بازتولید خاطره در میدان بهارستان	تمرکز بر میدان بهارستان	ناظر به ویژگی‌های اثباتی خاطره بوده و به نپرداخته است
بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در فضاهای عمومی شهری (اسماعیلیان و رنتجبر، ۱۳۹۲)	مؤثر بر شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در فضاهای عمومی شهری	درک فرایند شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در سه فضای شهری خاص در تهران	نقش مؤلفه‌های سه‌گانه مکان (معنا، کالبد و فعالیت) را در شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی یا تأکید بر میدان تجریش، میدانچه نثار شهر و میدان بهارستان	مطالعه موردی بر روی سه فضای شهری خاص تهران: در عین حال تأکید بر ویژگی‌های عام خاطره و مکان	ناظر به ویژگی‌های اثباتی خاطره بوده و به نپرداخته است
بازتاب مفهوم خاطره جمعی در تاریخ‌نگاری معماری (سلطانی، ۱۳۹۹)	ارتباط مفهومی میان خاطره جمعی و مطالعات تاریخ‌نگاری معماری	شناخت وجوه مختلف مفهوم خاطره جمعی و نسبت آن با حوزه‌های مختلف مطالعات معماری	به‌کارگیری مفهوم خاطره در نحلتهای مختلف مطالعات معماری نظیر مطالعه انبیه مذهبی، تدابیر ایجاد خاطره در مکان‌ها، طراحی فضاهای یادمانی و فضاهای شهری و مطالعه هویت و احساس تعلق در شهرها	مطالعه عام بر روی مفاهیم خاطره و تاریخ-نگاری معماری با کمترین اختصاص به ویژگی‌های سرزمینی	ناظر به ویژگی‌های اثباتی خاطره و مطالعات معماری بوده و به چالش‌های خاطره نپرداخته است
فضای عمومی یادمانی، تجسم کدام خاطره جمعی (کلرخ و باقری، ۱۳۹۹)	ماهیت سیاسی خاطره و یادمان در بستر ساخت فضای عمومی در میدان امام علی اصفهان	فهم تجربه گروهی از مردم (کسیه قدیمی) و روایت گروه‌های نادیده گرفته شده در پروژه ساخت میدان امام علی (ع)	«وارونگی معنایی یادمان» توصیف‌گر ماهیت تجربه کسیه قدیمی نادیده انگاشته شده از ساخت مکان یادمانی جدید	پژوهش واجد اصالت سرزمینی و یافته‌ها نیز در این خصوص تدقیق شده است	به یکی از چالش‌های خاطره جمعی در ایران (انتقال و بازیابی) خاطره‌های دور دست در دوران معاصر می‌پردازد.

## انواع پژوهش (مسئله‌محور یا مستخرج از تئوری) و ضرورت توجه به اصالت بومی و

### سرزمینی پژوهش

پژوهش‌ها گذشته از هدف غایی و فارغ از زمینه تخصصی انجام پژوهش (علوم انسانی یا علوم طبیعی-تجربی)، از حیث منبع تولید پرسش و شیوه انتخاب مسئله پژوهش نیز قابل دسته‌بندی هستند. در یک نگاه کلی به پژوهش‌های متفاوت و شیوه‌های رایج تعریف مسئله می‌توان دریافت که پرسش‌های آغازین پژوهش به طور کلی از چهار منبع نشأت می‌گیرند: «خلأهای موجود در پیشینه علمی و نوشتگان موجود»، «تلاش برای رد یا اثبات یک نظریه»، «مشاهدات روزمره و میدانی» و تلاش برای «حل یک مسئله عملی» (Evans, 2007, 25-26; Kerlinger & Lee, 2000; Ellis & Levy, 2008, 25). منابع چهارگانه پرسش‌های پژوهشی می‌توان به یک طبقه‌بندی کلی‌تر در زمینه شیوه‌های انتخاب مسئله و تعریف موضوع پژوهش دست یافت. دو دسته نخست، به گونه‌ای به جستجو و مطالعه خلأهای موجود در نوشتگان مرتبط و پیشینه علمی موضوع مورد مطالعه اختصاص دارند. مطالعه خلأهای موجود، خواه با هدف

غایی تولید یک نظریه جدید دنبال شود و خواه با هدف آزمون یک نظریه، می‌تواند منبع انتخاب موضوع پژوهش باشد. همچنین دو دسته دیگر را می‌توان در ارتباط با مسائل و چالش‌های موجود و قابل مشاهده در بستر مورد مطالعه ارزیابی کرد. به بیان دیگر مطابق شکل ۱، پژوهش‌ها از حیث شیوه‌های انتخاب مسئله پژوهش، می‌توانند موضوع-محور و مستخرج از تئوری<sup>۱۷</sup> باشند یا مسئله‌محور<sup>۱۸</sup> و مستخرج از چالش‌های موجود و قابل مشاهده (Verran, 1997; Sternberg, 2007; Tracy, 2007; Malinski, 2004; Craig & Tracy, 1995).



شکل ۱. چهار منبع تولید پرسش‌های پژوهش

منبع: برگرفته از Evans, 2007

در اینجا با توجه به تمرکز ویژه نوشتار حاضر بر پژوهش‌های میان‌دانشی حوزه علوم انسانی و علوم محیطی-فضایی (برنامه‌ریزی شهری، معماری و مانند آن) در شرایط سرزمینی-فرهنگی ایران، این پرسش کلیدی مطرح می‌گردد که کدام روش می‌تواند مبنای مناسب‌تری برای انتخاب مسائل واجد ارزش پژوهشی و تعریف موضوع پژوهش بر پایه این مسائل فراهم آورد. پژوهش و آموزش نوین در ایران، محصول مواجهه انسان ایرانی با مدرنیته‌ای است که از بستر فرهنگی-سرزمینی مغرب‌زمین و در نتیجه یک فرآیند تاریخی از دگرگونی‌های علمی، فکری، فرهنگی و معیشتی زاینده شده است. شاید به همین دلیل تاریخی است که در حال حاضر در علوم انسانی-اجتماعی و دانش‌های میان‌رشته‌ای، طرح موضوعات نظری عمدتاً از چارچوب نگاه ترجمه‌ای به متون علمی دنیای غرب صورت می‌پذیرد. حال آنکه مدل‌های نظری گرت‌برداری شده، متناسب با مسائلی هستند که در بستر فرهنگی-اجتماعی خود معنادار بوده و اعتبار آنها در سایر زمینه‌های فرهنگی با پرسشی جدی مواجه است.

پرویز پیران از این مسئله به عنوان لزوم توجه به دیالکتیک عام و خاص در عرصه علوم انسانی ایران یاد کرده است. مفهوم دیالکتیک عام و خاص عبارت است از آموختن دانش عام جهانی و قرار دادن آن در ظرف خاص و بستر محلی-سرزمینی. از دید پیران مادامی که در ایران دیالکتیک عام و خاص مورد توجه قرار نگیرد، علوم انسانی به معنای عام آن یعنی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی دانش‌های میان‌رشته‌ای (نظیر برنامه‌ریزی و طراحی شهری) تولد پیدا نمی‌کند؛ و متعاقباً غالب تولیدات نظری در این عرصه، از شالوده قوی برخوردار نبوده و چندان قابل اتکا نخواهد بود. به دیگر سخن، این علوم همچون کالاهای مصرفی دیگر از مبدأ وارد شده و نستجیده، بازتولید شده است؛ و به همین دلیل جای قابل اعتنایی در دنیای علم پیدا نمی‌کند. به باور پیران، جامعه ایرانی تا بیش از مواجهه با مدرنیته، به دیالکتیک عام و خاص در حوزه دانش و معرفت توجه داشته و به عبارت دیگر قادر بوده پس از آموختن دانش به مفهوم عام و جهانی، آن را با مبانی فکری و زیستی خود سازگار نموده و از آن به دانش خاص سرزمین خود دست یابد. اما مواجهه‌اش به مثابه یک گنگ خواب‌دیده با مدرنیته، این توجه دیالکتیکی عام و خاص را از میان برده است (پیران، ۱۳۹۵). همین مسئله یعنی اهمیت دیالکتیک عام و خاص پژوهش، ضرورت توجه به اصالت سرزمینی پژوهش را در پی داشته و انجام پژوهش مسئله-محور را در شرایطی که توجه بیش از اندازه به نوشتگان مرتبط و پیشینه علمی، نوعی نگاه ترجمه‌ای به پژوهش را رقم زده، بر



انجام پژوهش مستخرج از تئوری‌های خارج از بستر سرزمینی و فرهنگی ایران مرجح می‌سازد. از همین روست که در این نوشتار، تأکید بر انجام پژوهش مسئله-محور و انتخاب مسائل واجد ارزش پژوهشی و تعریف موضوع پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بر پایه چالش‌ها و مسائل سرزمینی است. از این منظر در تحلیل متون روش‌شناختی، تمرکز مطالعاتی بر روی متونی صورت پذیرفته که پژوهش مسئله-محور را کانون توجه قرار داده‌اند.

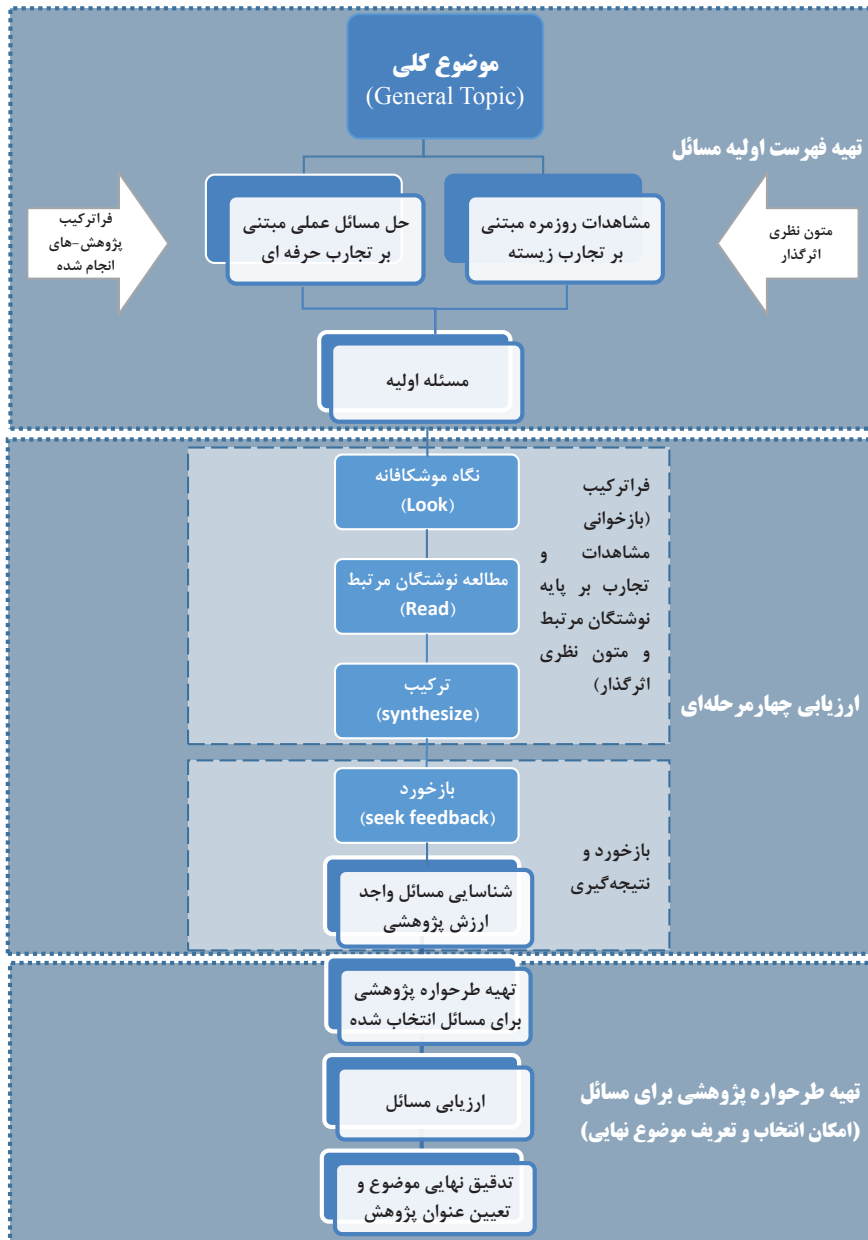
### فرآیند انتخاب مسئله واجد ارزش پژوهش در پژوهش مسئله-محور

در پژوهش مسئله-محور، انتخاب موضوع پژوهش بر پایه چالش‌ها و مسائل صورت می‌پذیرد و بنابراین برشماری مسائل واجد ارزش پژوهشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. مسائل واجد ارزش پژوهش، پیرامون یک موضوع عام در اینجا «خاطره جمعی» - تعریف می‌گردند. فرآیند انتخاب مسئله واجد ارزش پژوهشی، دربرگیرنده چهارمرحله (نگاه موشکافانه<sup>۱۹</sup>، مطالعه اجمالی<sup>۲۰</sup>، ترکیب<sup>۲۱</sup> و بازخورد و نتیجه‌گیری)<sup>۲۲</sup> است (Ellis & Levy, 2008, 25-27). در مرحله نخست، بر پایه مشاهدات شخصی ناشی از فعالیت‌های روزمره و تجارب حرفه‌ای (در مقایسه وضع موجود با وضع مطلوب)، مبنای اولیه‌ای برای طرح مسائل واجد ارزش پژوهشی شکل می‌گیرد (Kerlinger & Lee, 2000). در مرحله بعدی، انجام مطالعه بر روی پیشینه تحقیقاتی مسائل مورد توجه، به منظور حصول اطمینان از بدیع بودن و تکراری نبودن مسئله پژوهش ضروری است (Levy & Ellis, 2006). پس از تحلیل ترکیبی مسائل و موضوعات استخراج شده از مشاهده و مطالعه اجمالی و شکل‌گیری کلیدی تحلیلی، آخرین مرحله برای دستیابی به مسئله واجد ارزش پژوهشی، جستجوی بازخورد از پژوهشگران مجرب (اساتید راهنما) یا شرکت در مجامع علمی و استخراج موضوعات مورد توجه در زمینه علمی مورد نظر است. در اینجا پس از طی چهارمرحله یادشده، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا مسئله، واجد ارزش پژوهشی هست یا خیر. پاسخ مثبت، شکل‌گیری یک مسئله واجد ارزش پژوهشی را (با امکان پیشنهاد یک پژوهش علمی) در پی دارد و پاسخ منفی، منجر به بازگشت دوباره به مرحله اول یا نگاه موشکافانه مبتنی بر مشاهدات خواهد گردید (Ellis & Levy, 2008, 25-27; Creswell, 2005).

### تدوین یک چارچوب نظری در انتخاب مسئله واجد ارزش پژوهش در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای

مطابق مباحث پیشین (شکل ۱)، «مشاهدات روزمره و میدانی» و «تلاش برای حل یک مسئله عملی» دو منبع تولید پرسش در رویکرد پژوهش مسئله-محور می‌باشند و همانگونه که اشاره شد، شکل‌گیری یک پژوهش مسئله‌محور مطابق تعریف، مستلزم شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهشی است. بنابراین اولین گام در احصای مسائل واجد ارزش پژوهشی، اتکا به مشاهدات روزمره و میدانی مبتنی بر تجارب زیسته شخصی و شناسایی مسائل عملی بر پایه تجارب حرفه‌ای است. بدین ترتیب پژوهشگر در گام نخست، پیرامون یک موضوع عام، با اتکا به تجارب شخصی و حرفه‌ای و مشاهدات روزمره‌اش، فهرستی اولیه از مسائل تهیه می‌کند. در فرآیند تهیه این فهرست اولیه، توجه به زمینه مطالعاتی و متون نظری شاخص در حوزه تخصصی با رعایت دیالکتیک عام و خاص اثرگذار بوده و علاوه بر آن پژوهشگر نیازمند تحلیل پژوهش‌های داخلی انجام‌شده پیرامون موضوع کلی است. در صورتی که متون نظری شاخص بوم-خاست نبوده و پژوهش‌های داخلی نیز متأثر از نظریات فرابومی باشند، پژوهشگر می‌بایست برشماری اولیه چالش‌ها را بر مبنای مشاهدات و تجارب سازمان‌یافته‌اش پیگیری نماید. پس از تهیه فهرست اولیه، مسائل از حیث ارزش پژوهشی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. این ارزیابی مطابق مباحث پیش‌گفته، دربرگیرنده چهار مرحله نگاه موشکافانه، مطالعه اجمالی، ترکیب و بازخورد و نتیجه‌گیری است. پس از ارزیابی چهارمرحله‌ای، در نهایت به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا مسئله واجد ارزش پژوهشی هست یا خیر. بدین ترتیب مسائل واجد ارزش پژوهشی شناسایی و احصا می‌گردند. هرکدام از مسائل

شناسایی شده می‌تواند مبنای شکل‌گیری یک پژوهش مسئله‌محور باشد. در این مرحله امکان تعریف پژوهش بر روی مسائل شناسایی شده از طریق تهیه طرحواره‌های پژوهشی (تدوین پرسش‌ها، اهداف، روش‌ها و منابع احتمالی) مورد ارزیابی موشکافانه قرار می‌گیرد و پس از ارزیابی و مقایسه، تدقیق نهایی موضوع پژوهش، با رویکرد مسئله‌محور و با رعایت دیالکتیک عام و خاص پژوهش توسط پژوهشگر امکان‌پذیر خواهد بود. شایان توجه است که ارزیابی مسائل و تدقیق نهایی موضوع پژوهش که در پایان چارچوب پیشنهادی مورد اشاره قرار گرفته و معیارهای آن تا اندازه‌ای در پایگاه‌های معتبر دانشگاهی منعکس گردیده است (Adelaide Graduate Centre, 2016; FindAphd<sup>23</sup>, 2017; University of Salford, 2018; California Institute of Integral Studies, 2015)، خارج از حیطه تمرکز نوشتار حاضر بوده و می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد.



شکل ۲. شناسایی و برشماری مسائل واجد ارزش پژوهشی با اتخاذ رویکرد مسئله‌محور

## بررسی موردی (شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهشی پیرامون موضوع عام «خاطره جمعی»)

در این بخش، چارچوب نظری پیشنهادی این پژوهش، که در انتخاب مسئله و تدقیق عنوان رساله دکتری تخصصی شهرسازی پیرامون موضوع عام «خاطره جمعی در شهر» مورد بهره‌برداری قرار گرفته، به صورت دقیق‌تر و عینی‌تر معرفی خواهد گردید. مطابق شکل ۲، نخستین گام در شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهشی تهیه فهرست اولیه مسائل است که بر مبنای منابع تولید پرسش‌های پژوهش در پژوهش مسئله‌محور («مشاهدات روزمره مبتنی بر تجارب زیسته» و تلاش برای «حل مسائل عملی بر مبنای تجارب حرفه‌ای») صورت می‌پذیرد (شکل ۱). در این راستا، مشاهدات روزمره نگارندگان و شناسایی موقعیت‌هایی که در آن وضعیت موجود با وضعیت مطلوب فاصله دارند و تلاش برای حل مسائل عملی در نتیجه تجارب سازمان‌یافته حرفه‌ای، زمینه‌ساز شناسایی فهرست اولیه مسائل گردیده است. بر پایه تجارب سازمان‌یافته، فراترکیب پژوهش‌های پیشین، مطالعه نوشتگان مرتبط (Halbwachs, 1980; Halbwachs, 1992; Rossi, 1982; Hull et al., 1994; Boyer, 1994); بهشتی، ۱۳۹۵؛ پیروز، ۱۳۸۰؛ پیران، ۱۳۹۵؛ حبیبی، ۱۳۸۳؛ شایگان، ۱۳۹۱؛ شایگان، ۱۳۹۲؛ شایگان، ۱۳۹۳؛ پرتوی، ۱۳۸۲؛ پرتوی، ۱۳۹۴؛ حسینی کومله، ۱۳۸۸؛ حسینی کومله و ستوده علمباز، ۱۳۹۲) و مشاهدات روزمره و مستمر، ابتدا یازده مسئله در حوزه خاطره جمعی در شهر ایرانی مورد شناسایی قرار گرفته است. این یازده مسئله عبارتند از: «انتقال معنا و خاطره در شهر سنتی و مدرن»، «مدیریت تغییر و نیاز به تداوم و ثبات»، «عدم امکان تولید خاطره در زندگی مدرن»، «تفاوت در مقیاس‌ها: مقیاس پیاده، مقیاس سواره»، «خاطره‌زدایی به بهانه دستیابی به رفاه و آسایش عملکردی»، «خاطره‌زدایی به بهانه دستیابی به انتفاع اقتصادی»، «عدم پیوند خاطرات با تجارب زیسته»، «فاصله به‌خاطر آورانندگان با خاطرات»، «تغییر در سبک زندگی، تغییر در مفاهیم»، «دگرگونی مفهوم فضاهای باز عمومی و خصوصی» و «معارضه‌جویی معاصر و خاطرات جمعی». مطابق جدول ۲، تهیه فهرست مسائل یازده‌گانه خاطره جمعی در شهر ایرانی، بر مبنای مشاهدات روزمره و مستمر یا تلاش برای حل مسائل عملی به شرح مفاهیم مندرج در جدول صورت پذیرفته و متون شاخص نظری مرتبط (با رعایت دیالکتیک عام و خاص) نیز مورد نظر بوده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که این فهرست اولیه، می‌تواند مبنایی آغازین برای پژوهش‌های مرتبط با خاطره جمعی در شهر ایرانی فراهم آورد و تلقی آن به عنوان فهرستی نهایی و جامع و مانع مورد ادعای نگارندگان نیست.

جدول ۲. تهیه فهرست اولیه‌ای از مسائل پیرامون «خاطره جمعی» در شهر ایرانی و ارزیابی چهار مرحله‌ای مسائل

ردیف	مبای شناسایی اولیه مسائل	مسأله/چالش	ارزیابی چهار مرحله‌ای			
			فراترکیب		بازخورد	
			نگاه موشکافانه	مطالعه اجمالی	ترکیب	
۱	مشاهدات روزمره و مستمر: وجود سرخ‌های انتقال خاطره در شهرهای دارای بافت کالبدی و اجتماعی کهن (یزد، اصفهان و ...) در برابر چالش انتقال معنا و خاطره در شهرهای جدید. بافت‌های تاریخی دگرگون شده <b>تلاش برای حل مسائل عملی:</b> شیوه بازنمایی خاطره در دوران معاصر، چالش‌های بازنمایی عناصر تخریب شده (دروازه‌های تاریخی، ابنیه تاریخی و...)، <b>متون نظری اثرگذار:</b> (شایگان، ۱۳۹۲؛ پاکزاد، Hosseini Koumleh & Sotoudeh, 2009; Alambaz, 2009)	انتقال معنا و سستی و مدرن خاطره در شهر	وضع موجود- از میان رفتن الگوهای کالبدی و فعالیتی خاطره انگیز، چالش انتقال و یادآوری خاطره وضع مطلوب- ویژگی‌های تداوم بخش مفهوم شهر، انتقال و تداعی خاطرات جمعی	چالش انتقال معنا، تداوم خاطره، حفاظت و بازتولید خاطره / بازنمایی عناصر خاطره انگیز پس از تخریب، بازنمایی خاطرات تاریخی دور دست، تداعی خاطره و سرخ‌های تداعی‌کننده	توجه به مفهوم معاصر به جای مدرن و «تمرکز و تاکید بر چالش‌های انتقال خاطره در شهر معاصر»	ایا مسأله واجد ارزش پژوهشی هست؟  بله (با تدقیق در عنوان مسأله)
۲	مشاهدات روزمره و مستمر: تغییرات بنیان کن شهرهای ایرانی پس از مواجهه با تعدد (تخریب بافت-ها، جابه‌جایی‌های جمعیتی گسترده و مهاجرت‌ها) <b>متون نظری اثرگذار:</b> (پیران، ۱۳۹۵؛ شایگان، ۱۳۹۲؛ بهشتی، ۱۳۹۵; Rossi, 1982)	مدیریت تغییر و نیاز به تداوم و ثبات	لرزش ثبات مفهوم و روح شهر (Genius Loci)، مدیریت تغییر در شهر: تغییرات به فرآورد عمر شهر نه شهروندان	لرزش توجه به مفهوم کلیدی تغییر و تعیین آستانه پهنه تغییر به گونه‌ای که حفظ خاطرات را تضمین کند	ارتباطی مفهوم ضروری است	بله (با حفظ مفهومی یا خاطره)
۳	مشاهدات روزمره و مستمر: جابه‌جایی‌های مکرر و مداوم محل سکونت و زندگی و تأثیر آن بر عدم امکان شکل‌گیری خاطره یا محله، تأثیر فرهنگ مصرف‌گرا بر یک‌بار مصرف بودن همه چیز و عدم امکان تداوم آشنایی به‌جامانده از گذشته <b>متون نظری اثرگذار:</b> (شایگان، ۱۳۹۳; Hul, 1994)	عدم امکان تولید خاطره در زندگی مدرن	فرهنگ مصرف‌گرا، تولید انبوه و عدم امکان تولید خاطره	مطالعه نقدانه پیامدهای مدرنیته، مصرف‌گرایی، فردگرایی، معنازدایی و خاطره‌زدایی	توجه به چالش خاطره‌زدایی در پی تغییرات بنیان کن به جای عدم امکان تولید خاطره	خیر (لرزش ترکیب مسأله با مسأله دوم)
۴	مشاهدات روزمره و مستمر: تجربه متفاوت ادراک حسی فضاهای شهری در مقیاس پیاده و سواره، رابطه بافت با سرعت حرکت و مقیاس پیاده و ارتباط آن با میزان خاطره‌انگیزی و امکان انتقال خاطره <b>متون نظری اثرگذار:</b> (پاکزاد، ۱۳۹۹؛ شایگان، ۱۳۹۲؛ شایگان، ۱۳۹۲)	تفاوت در مقیاس‌ها: مقیاس پیاده - مقیاس سواره	تجربه قدم زدن در کوچه و خیابان یا عبور سواره از آنها	مطالعه مفهوم پیاده‌مداری و ارتباط آن با خاطره‌انگیزی	عدم اصالت موضوع، ارتباط مولفه‌های دیگر	خیر (امکان تعریف ذیل مسأله تغییر)
۵	مشاهدات روزمره و مستمر: تخریب ساختمان‌های تاریخی، درختان کهنسال و دیگر عناصر خاطره‌انگیز در مسیر فرایند مدرنیزاسیون، تأمین آسایش و رفاه <b>متون نظری اثرگذار:</b> (حبیبی، ۱۳۸۳؛ شایگان، ۱۳۹۲؛ بهشتی، ۱۳۹۵)	خاطره‌زدایی به پهنه ددستیایی به رفاه و آسایش عملکردی	قطع درختان و ابنیه تاریخی به منظور تسهیل آمد و شد سواره، تعریض‌های معابر تاریخی به منظور تسهیل حرکت سواره	مطالعه مفهوم خاطره‌زدایی، مطالعه نقدانه پیامدهای مدرنیته	مسأله کلیدی خاطره‌زدایی است، عنوان مسأله هم‌زمان مطرح شوند	بله (در ترکیب با مسأله شماره ۶)
۶	مشاهدات روزمره و مستمر: غلبه تفکر سوداگرانه در شهر، تبدیل ارزش مصرف به ارزش مبادله، نگرش سرمایه‌ای به زمین و خانه و تأثیر آن بر خاطره‌زدایی <b>متون نظری اثرگذار:</b> (پیران، ۱۳۹۴؛ حبیبی، ۱۳۸۳)	خاطره‌زدایی به پهنه ددست-یابی به انتفاع اقتصادی	تخریب ابنیه ارزشمند و خاطره‌انگیز و ساخت پاساژها، ایازمان‌ها و...	مطالعه مفهوم خاطره‌زدایی، مطالعه مفهوم سرمایه‌داری	مسأله کلیدی خاطره‌زدایی است، عنوان مسأله هم‌زمان مطرح شود	بله (در ترکیب با مسأله شماره ۵)
۷	مشاهدات روزمره و مستمر: نگرش موزه‌ای به عناصر ارزشمند، تاریخی و خاطره‌انگیز، جدایی خاطرات از متن زندگی جاری مردم و نگاه صرفاً کالبدی به عناصر خاطره‌انگیز، عدم توجه به پیوند خاطره با جهان زیسته افراد و تجارب زنده آنها، جاشدن و انتزاع عناصر مرتبط با خاطره جمعی از بستر زمانی-مکانی شکل-گیری خاطره <b>تلاش برای حل مسأله عملی:</b> گسترده شدن دامنه تنوع بهره‌برداری و فعالیت‌های تاریخی از هتل و رستوران و... به عملکردهایی مرتبط با تجارب زیسته و زندگی جاری <b>متون نظری اثرگذار:</b> (حبیبی کومله، ۱۳۸۸; Hosseini Koumleh & Sotoudeh Alambaz, 2009; Boyer, 1994)	عدم پیوند خاطرات با تجارب زیسته	بهره‌برداری نوبن از عناصر خاطره‌انگیز، جنبش رستوران‌سازی، هتل‌خانه‌سازی و نگاه موزه‌ای به عناصر خاطره‌انگیز، توجه صرف به حظ بصری از عناصر (راسته آهنگران بدون صدا، راسته عطارها بدون بو و تهی شدن نامها از مضامین)	مطالعه مفهوم مکان و ارتباط پدیدارشناسانه تجارب زیسته، مطالعه مفهوم خاطره و ارتباط آن با مکان	تاکید بر اهمیت مسأله در شهرهای ایرانی، اصالت مسأله با توجه به پرداخت کم	بله
۸	مشاهدات روزمره و مستمر: مهاجرت‌ها و جدایی ستر شهر از افرادی که در آن خاطره ساخته‌اند <b>تلاش برای حل مسأله عملی:</b> در مسأله احیا و بازنمایی خاطره، خاطره برای ساکنان قدیم بازنمایی شود یا ساکنانی که از آن خاطره‌ای ندارند؟ <b>متون نظری اثرگذار:</b> خلا پژوهشی چشمگیری در این زمینه وجود دارد، هرچند در برخی از آستانه مطالعاتی به مفهوم مهاجرت و ارتباط آن با هویت پرداخته شده است (بهشتی، ۱۳۹۵)	فاصله به خاطرات	جابه‌جایی‌های گسترده، تغییر ترکیب جمعیتی ساکنین (مکان در تصرف ساکنانی که از آن خاطره ندارند) (مثال: امامزاده یحیی)	مطالعه تئوری-های اقتصاد سیاسی فضا، ارتباط مسائل شناختی و خاطره	خاطره‌انگیزی مکان در جابه‌جایی‌های جمعیتی دچار چالش می‌شود	بله
۹	مشاهدات روزمره و مستمر: تغییر سبک زندگی و تأثیرپذیری از فرهنگ غربی پس از مواجهه با تعدد، مصرف‌گرایی و اثرات آن بر فراموشی خاطرات <b>متون نظری اثرگذار:</b> (شایگان، ۱۳۹۱؛ پیران، ۱۳۹۵)	تغییر در سبک زندگی، تغییر در مفاهیم	فضاهای مجازی، رسانه-ها، کاهش تعاملات، رودرو جایگزین نقل، روایت‌گری و غیره قلب، مفاهیم	مطالعه پیامدهای مدرنیته، مطالعه مفهوم تغییر	اثر تغییر سبک زندگی و مفاهیم بر خاطره‌زدایی واجد ارزش پژوهشی	بله
۱۰	مشاهدات روزمره و مستمر: تغییر مفهوم فضاهای باز خصوصی و مکرر شدن مفهوم حیاط در دوران معاصر، تغییر مفهوم کوچه و خیابان و اصالت محلی، ارتباطات اجتماعی و بازی‌های کودکان در آنها <b>متون نظری اثرگذار:</b> (توسلی، ۱۳۷۶)	دگرگونی مفهوم فضاهای باز عمومی و خصوصی	تغییر بنیادین مفاهیم مرتبط با فضاهای خصوصی و همگانی و خاطره‌انگیزی آنها	مطالعه پیامدهای مدرنیته، مفاهیم فضاهای شهری و تغییر مفاهیم مرتبط	مسأله به تنهایی اصالت و ارزش پژوهشی ندارد	خیر (لرزش ترکیب مسأله با مسأله دوم)
۱۱	مشاهدات روزمره و مستمر: چالش‌ها و دوگانگی‌های فرهنگی و تقابل سنت و تعدد در همه زمینه‌ها اعم از روابط شخصی و اجتماعی، مسائل مرتبط با فرهنگ، معماری در دوران معاصر <b>متون نظری اثرگذار:</b> (شایگان، ۱۳۹۲؛ شایگان، ۱۳۹۵؛ پیران، ۱۳۹۵؛ حبیبی، ۱۳۸۳)	معارضه‌جویی معاصر و خاطرات جمعی	تأثیرات مدرنیته بر فرهنگ مشرق زمین و آغاز جدال نابرابر، تخریب تمدن‌های محلی و باقی‌ماندن پوسته فولکلور	مطالعه مفاهیم معارضه‌جویی معاصر، پیامدهای مدرنیته، تغییر و ارتباط آن با خاطره در ایران	موضوع مواجهه با چالش‌های ایرانی، تغییر و ارتباط دگرگونی مفاهیم، مسأله‌ای واجد ارزش پژوهشی	بله



شکل ۳. ارزیابی مسئله شماره یک (انتقال معنا و خاطره در شهر سنتی و مدرن) از حیث ارزش پژوهشی

پس از تهیه فهرست اولیه مسائل مرتبط با خاطره جمعی، ارزیابی این مسائل بر پایه فرآیند چهارمرحله‌ای مبتنی بر فراترکیب و دریافت بازخورد صورت می‌پذیرد. جدول ۲ به صورت عام و اجمالی فرآیند ارزیابی مسائل یازده‌گانه را نشان می‌دهد. در «نگاه موشکافانه»، موضوعات بیانگر شکاف وضع موجود و شرایط مطلوب مورد اشاره قرار گرفته و پس از آن «مطالعه اجمالی» در نوشتگان مرتبط با مفاهیم مربوطه و سپس «تحلیل» ترکیبی و «جستجوی بازخورد» از اساتید راهنما و جامعه علمی و نتیجه‌گیری صورت پذیرفته است. در اینجا بازخورد به صورت مستقیم از اساتید راهنما و هم‌میزان بیرونی (سایر صاحب‌نظران مندرج در پانویس پنجم) دریافت شده است. بر پایه شکل ۲، در این بخش، ارزیابی چهارمرحله‌ای دربرگیرنده فراترکیب مطالعات و متون نظری و دریافت بازخورد از اساتید و خبرگان است. به عبارت دیگر، نگاه موشکافانه به مقایسه وضع موجود و وضع مطلوب و مفاهیم به‌دست‌آمده از آن زمینه‌ساز فراترکیب نوشتگان مرتبط با مسائل اولیه و یا مطالعات بنیادی

اثرگذار بوم-خاست شده و در نهایت دریافت بازخورد از اساتید، ارزیابی مسائل اولیه را از حیث ارزش پژوهشی ممکن می‌سازد. به منظور تبیین دقیق‌تر فرآیند ارزیابی مسائل اولیه، به عنوان یک نمونه مصداقی، ارزیابی مسئله نخست از حیث ارزش پژوهشی با تفصیل بیشتری نشان داده شده است (شکل ۳).

بر پایه شکل ۳، مشاهدات روزمره و مستمر (تداعی و انتقال خاطره در شهرهای دارای بافت کالبدی و اجتماعی کهن (یزد، اصفهان و غیره) در برابر چالش انتقال معنا و خاطره در شهرهای جدید و بافت‌های تاریخی دگرگون شده در دوره معاصر) و تجارب حرفه‌ای در تلاش برای حل مسائل عملی (شیوه بازنمایی خاطره در دوران معاصر، چالش‌های بازنمایی عناصر تخریب شده (دروازه‌های تاریخی، ابنیه تاریخی و غیره)، بازنمایی خاطره در محلات پس از جابه‌جایی ساکنان اصیل) منجر به طرح مسئله انتقال معنا و خاطره در شهر سنتی و مدرن به عنوان یک مسئله اولیه گردیده است. نخستین مرحله ارزیابی، نگاه موشکافانه به مسئله و تبیین شکاف میان وضع موجود و وضع مطلوب است. پس از آن بازخوانی مشاهدات و تجارب بر پایه نگاه موشکافانه و فراترکیب متون نظری، مطالعات بنیادی و نوشتگان مرتبط با مفاهیم مستخرج از این مرحله صورت می‌پذیرد. این فراترکیب با هدف پاسخ گفتن به دو پرسش کلیدی انجام می‌شود: پرسش نخست اینکه «آیا مسئله واجد ارزش پژوهشی هست و در مطالعات و پژوهش‌های بنیادی داخلی ریشه دارد یا خیر» و پرسش دوم اینکه «موضوعات و مفاهیم زمینه‌ساز پرسش‌های پژوهش در مسئله مورد نظر چیست».

نگاه موشکافانه به مسئله اولیه شماره یک، بیانگر مفاهیمی چون از میان رفتن الگوهای کالبدی-فعالیتی خاطره‌انگیز و چالش انتقال/یادآوری خاطره (بازنمایی خاطره در محلات و بافت‌های دگرگون شده و بازنمایی خاطرات مرتبط با عناصر تخریب شده) و تلاش برای تداوم خاطره و مفهوم شهر است. بر پایه مفاهیم یادشده، فراترکیب مطالعات بنیادی اثرگذار و نوشتگان مرتبط، می‌تواند به ارائه تحلیل ترکیبی منجر شده و پس از اعتبارسنجی و دریافت بازخورد از اساتید و خبرگان، قضاوت در زمینه اصالت سرزمینی و ارزش پژوهشی مسئله را ممکن سازد. دو دسته کلی از مطالعات و نوشتگان مرتبط مد نظر هستند: دسته نخست، متون نظری شاخص و مطالعات بنیادی اثرگذار صاحب‌نظران ایرانی در زمینه مفهوم خاطره و تاریخ شهر در ایران و دسته دوم، نوشتگان مرتبط با مفاهیم برآمده از مشاهدات، تجارب و نگاه موشکافانه به مسئله.

آثار داریوش شایگان با اشاره به مفاهیمی از قبیل «خاطره ازلی/قومی»، «معارضه‌جویی معاصر»، «خاطره‌زدایی»، و «فضاهای گم‌شده» از منابع مهمی است که در چارچوب فلسفه تطبیقی، مواجهه انسانی ایرانی را با جهان غرب و دنیای مدرن مورد مطالعه قرار می‌دهد. شایگان با اشاره به مفهوم «بت‌های ذهنی» فرانسویس بیکن، آن را مابه‌ازای «خاطره قومی» در تمدن‌های آسیایی می‌داند و زدودن بت‌های ذهنی و به بیان دیگر «خاطره‌زدایی» را آغازگر تفکر جدید غربی و مانع بزرگ حفاظت از «خاطره قومی» (و یادآوری آن به عنوان امانت تفکر شرقی) می‌انگارد. شایگان با طرح مفهوم «معارضه‌جویی معاصر»، نگاهی به رویارویی ایران با مدرنیته و تحولات حاصل از آن (تغییر رابطه انسان با جهان و طبیعت، بی‌هویتی، گسست از گذشته و خاطره‌زدایی) دارد (شایگان، ۱۳۹۳). او با اشاره به شکل‌گیری «فضاهای ازهم‌گسسته» و «برخاسته از اعصار گوناگون»، «زخم‌های بدجوش خورده» و «تکه‌پاره‌های وصله-پینه شده» در شهر ایرانی، به طرح این پرسش اساسی می‌پردازد که چگونه می‌توان فضاهای گم‌شده را در فضاهای جدید بازیابی کرد (شایگان، ۱۳۹۲). او در دو اثر دیگر خود، دو پرسش کلیدی دیگر مطرح می‌کند که ناظر به «چگونگی آشتی دادن تکنیک و سنت، نجات خاطره قومی و هموار ساختن رنج خاطره‌زدایی» (شایگان، ۱۳۹۳) و «بازپس دادن سهم روح و وجه تمثیلی و برقراری تعادل میان ابعاد فیزیکی و معنوی» (شایگان، ۱۳۹۱) است. هر سه پرسش بنیادی دایر به «چگونگی انتقال معنا و تداوم خاطره» در معارضه‌جویی معاصر هستند؛ شرایطی که در آن، مکان



به علت خاطره‌زدایی، از الگوهای خاطره‌انگیز تهی شده و به علت دگرگونی آداب زیستی و مهاجرت‌های گسترده، دچار تغییرات بنیان‌کن اجتماعی گردیده است. توجه به دو مفهوم کلیدی تداوم (پیوستگی) و انقطاع (گسستگی)، در بیان انتقال معانی و خاطرات ضروری است. روسی با خلق مفهوم «تیپ» (تداوم قانون‌مندی در ساختار شهر) و «مونومان» (عناصر شاخص به‌جامانده از گذشته، ضامن پایداری و حامل خاطره جمعی)، به مفاهیم پیوستگی و پایداری مفهوم و خاطره شهر پرداخته است (Rossi, 1982). از سوی دیگر، در دنیای مدرن در مواجهه با معارضه‌جویی معاصر، تخریب عناصر شاخص و تداوم‌بخش مفهوم و خاطره شهر، منجر به گسستگی در انتقال معنا و خاطره می‌گردد. به نظر می‌رسد که یکی از پرسش‌های کلیدی مسئله شماره یک، در دوگانه «حفاظت و بازتولید خاطره» و «بازنمایی عناصر خاطره‌انگیز پس از تخریب» نهفته باشد. حسینی کومله و ستوده علمباز، به «حفاظت» و «بازنمایی» به عنوان دو رویکرد متفاوت انتقال خاطره پرداخته و در پژوهشی با رویکرد نشانه‌شناختی، مدلی در طبقه‌بندی تکنیک‌های بازنمایی خاطرات جمعی ارائه نموده‌اند (Hosseini Koumleh & Sotoudeh Alambaz, 2009). در اینجا توجه به مفهوم بازنمایی خاطرات تاریخی دوردست با در نظر گرفتن شرایط زیستی شهروندان (گلرخ و باقری، ۱۳۹۹) و همچنین توجه به مفهوم تداعی و سرخ‌های تداعی‌کننده در زمینه بازنمایی خاطره و مفاهیم نشانه‌شناختی مرتبط با آن (پاکزاد، ۱۳۹۹) نیز می‌تواند به عنوان مفاهیم کلیدی مرتبط با مسئله شماره یک مورد نظر قرار گیرد.

فراترکیب پژوهش‌ها و نوشتگان مرتبط نشان می‌دهد که مسئله در ارتباط با چالش‌های سرزمینی از ارزش پژوهشی برخوردار بوده و ردپای آن در نظریات بنیادی صاحب‌نظران و اندیشمندان این سرزمین به چشم می‌خورد. همچنین بر پایه مفاهیم مستخرج از این فراترکیب، «شیوه‌های انتقال معانی و خاطرات در شهر سنتی و معاصر»، «تداوم و انقطاع در انتقال معانی و خاطرات (حفاظت و بازتولید/تخریب و بازنمایی)»، «بازنمایی خاطرات در شرایط معارضه‌جویی معاصر (تهی شدن مکان از الگوهای خاطره‌انگیز و تغییر ترکیب جمعیتی و مهاجرت ساکنان اصیل)»، «بازنمایی و انتقال خاطرات تاریخی دوردست با توجه به شرایط زیستی شهروندان» و «تداعی خاطره و سرخ‌های تداعی‌کننده» از مهمترین مفاهیمی است که می‌تواند زمینه‌ساز پرسش در مسئله شماره یک شود. جستجوی بازخورد از اساتید راهنما آخرین مرحله از فرآیند ارزیابی مسائل است. در این مرحله، ضمن تأکید بر ارزش پژوهشی مسئله، «توجه به مفهوم معاصر به جای مدرن» با توجه به مفهوم معارضه‌جویی معاصر و عدم تولد مدرنیته درون‌زا در ایران، و همچنین «تأکید بر چالش‌های انتقال خاطره در شهر معاصر» (به جای تأکید بر تطبیق شهر مدرن و سنتی)، به عنوان بازخورد دریافتی، منجر به تدقیق مسئله گردیده است.

پس از طی فرآیند ارزیابی، هفت مسئله «انتقال معنا و تداوم خاطره در شهرهای معاصر»، «برهم‌خوردن تعادل تغییر، تداوم و ثبات و چالش تولید خاطره در شهرهای معاصر»، «چالش پیوند خاطرات جمعی با تجارب زیسته»، «چالش فاصله به‌خاطر آورانندگان و حاملان خاطرات با بستر شکل‌گیری خاطرات جمعی»، «خاطره‌زدایی به بهانه دستیابی به خدمات مدرن یا انتفاع اقتصادی»، «تغییر در سبک زندگی، تغییر در مفاهیم و اثرات آن بر خاطرات جمعی شهروندان» و «معارضه‌جویی انسان معاصر ایرانی و از هم‌گسسته شدن نظام معنایی شهر» به عنوان مسائل واجد ارزش پژوهش شناسایی گردیده است. جدول ۳، این هفت مسئله/چالش را به همراه فهرستی از موضوعات، پرسش‌ها و مفاهیم کلیدی مرتبط نشان می‌دهد. با توجه به اتخاذ رویکرد مسئله‌محور (مطابق شکل ۱، ۲ و ۳ و جدول ۲)، استخراج موضوعات زمینه‌ساز پرسش‌های پژوهش بر پایه مشاهدات مبتنی بر تجارب زیسته، تلاش برای حل مسائل عملی و فراترکیب یافته‌های مطالعات بنیادی و متون نظری در زمینه مفاهیم برآمده از نگاه موشکافانه به مسائل اولیه فهرست شده، صورت می‌پذیرد.

تا این مرحله پژوهش حاضر به هدف کلیدی خود (برشماری چالش‌های بوم-خاست خاطره جمعی در شهر ایرانی) دست یافته است. پس از تکمیل فرآیند شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهش پیرامون خاطره جمعی به منظور تعریف پژوهش پیرامون آنها، تهیه طرحواره‌های پژوهشی دربرگیرنده پرسش‌ها، اهداف، مفاهیم کلیدی، پیش‌پاسخ‌ها، روش‌های احتمالی و منابع پژوهش احتمالی و زمینه‌سازی برای ارزیابی و انتخاب موضوع نهایی پژوهش می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

جدول ۳. مسائل واجد ارزش پژوهشی پیرامون «خاطره جمعی» در شهر ایرانی به همراه موضوعات زمینه‌ساز پرسش‌ها و مفاهیم کلیدی پژوهش

مسائل واجد ارزش پژوهشی	منابع مطالعاتی مرتبط	موضوعات زمینه‌ساز پرسش‌های تحقیق	مفاهیم کلیدی تحقیق
انتقال معنا و تداوم خاطره در شهر معاصر	(شایگان، ۱۳۹۱؛ شایگان، ۱۳۹۲؛ شایگان، ۱۳۹۳؛ پاکزاد، ۱۳۹۹؛ گلرخ و باقری، ۱۳۹۹؛ Hosseini Koulmeh & Sotoudeh Alambaz, 2009; Rossi, Peirce, 1932, 1982)	شیوه‌های انتقال معانی و خاطرات در شهر سنتی و معاصر، تداوم و انقطاع در انتقال معانی و خاطرات (حفاظت و بازتولید/تخریب و بازنمایی)، بازنمایی خاطرات پس از تهی شدن مکان از الگوهای خاطره‌انگیز، بازنمایی خاطرات پس از جابه‌جایی جمعیتی (چه؟ چگونه؟ برای که؟)، بازنمایی و انتقال خاطره‌های تاریخی دوردست با توجه به شرایط زیستی شهروندان، تداعی خاطره و سرخ‌های تداعی کننده	انتقال معنا و خاطره، نشانه‌شناسی
عدم تعادل تغییر، تداوم و ثبات: چالش‌های تولید خاطره در شهر معاصر	(پیران، ۱۳۹۵؛ شایگان، ۱۳۹۳؛ بهشتی، ۱۳۹۵؛ حبیبی، ۱۳۸۳؛ پرتوی، ۱۳۹۴؛ نوربگ‌شولتز، Rossi, 1982; Casey, Lowenthal, 2000; 2015)	حفظ روح شهر به رغم تغییر و پویایی، جایگاه خاطره جمعی در تعیین استانه بهینه تغییر و تداوم، چالش تولید خاطره در شهر مدرن، چالش مدیریت تغییر در شهر مدرن، خاطره جمعی و ثبات مفهوم شهر، خاطره جمعی و برنامه‌ریزی تغییر و تداوم در شهر، پیامدهای شهر بی‌خاطره	تغییر و تداوم، روح و مفهوم شهر (Genius Loci)، پدیدارشناسی
عدم پیوند خاطرات جمعی با تجارب زیسته شهر	(حسینی کومله، ۱۳۸۸؛ Hosseini Koulmeh & Sotoudeh Alambaz, 2009; Boyer, 1994)	معاصرسازی عناصر خاطره‌انگیز، بهره‌برداری مجدد از بنا با توجه به ویژگی‌های کالبدی و زمینه استقرار بنا، پویایی خاطرات و پیوند آن با تجارب زیسته، هم-پیوندی خاطرات و تجارب زیسته شهر و نقش آن در حفظ مفهوم شهر، توجه به همه حواس انسانی در فرآیند بازنمایی و حفاظت از خاطرات جمعی	پیوند یا تجارب زیسته به جای نگاه موزه‌ای، پیوند با همه حواس به جای نگاه باصره محور
فاصله به-خاطرات ساکنان با خاطرات	(بهشتی، ۱۳۹۵؛ مدنی‌پور، ۱۳۸۴; Lowenthal, 2015)	جابه‌جایی جمعیتی، فاصله به‌خاطرات ساکنان با خاطرات، زندگی و خاطرات ساکنان جدید و خاطرات ساکنان اولیه، مشابهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی ساکنان بومی و جدید و ارتباط آن با حفظ عناصر خاطره‌انگیز، شیوه‌های مواجهه با خاطرات جمعی در شرایط تغییر مداوم ترکیب جمعیتی، مراقبت از خاطرات جمعی گذشتگان در عین تأمین نیازهای اولیه ساکنان جدید، ایجاد پیوند میان خاطرات جمعی ساکنان مهاجرت کرده با تجارب زنده بهره‌برداران جدید، چالش بازنمایی خاطرات جمعی پس از جابه‌جایی گسترده جمعیتی	جابه‌جایی‌های گسترده جمعیتی، اقتصاد سیاسی فضا و خاطرات جمعی
خاطره‌زدایی به پهنانه دستیابی به خدمات و انتفاع اقتصادی	(حبیبی، ۱۳۸۳؛ شایگان، ۱۳۹۳؛ بهشتی، ۱۳۹۵؛ پیران، ۱۳۹۴)	کلیدی‌ترین عوامل خاطره‌زدایی از شهر ایرانی، تأمین خدمات مدرن/انتفاع اقتصادی و خاطره‌زدایی از شهر، ارزش خاطرات جمعی در دوران سنتی و معاصر، مواجهه با مدرنیته و جایگاه آن در جایگزینی خاطرات با خدمات مدرن/انتفاع اقتصادی، امکان ایجاد تعادل میان خاطرات و خدمات مدرن/منافع اقتصادی	ارزش خاطرات جمعی در دوران سنتی و معاصر، انتخاب میان خاطرات و خدمات مدرن/انتفاع اقتصادی
تغییر در سبک زندگی و مفاهیم و تأثیرات آن بر خاطرات جمعی شهروندان	(شایگان، ۱۳۹۱؛ پیران، ۱۳۹۵؛ توسلی، ۱۳۷۶)	تغییر سبک زندگی، مفهوم عناصر معماری و فضاهای شهری و ادراک آن‌ها در دوران معاصر، تغییر سبک زندگی و حذف خاطرات جمعی، مدیریت خاطره جمعی شهروندان و تغییر سبک زندگی در دوران فناوری اطلاعات، آستانه تعادل تغییر در سبک زندگی و تغییر مفاهیم شهر و شاخصه‌های دخیل در تعیین این آستانه	تغییر سبک زندگی، مفاهیم معماری و فضاهای شهری و خاطرات وابسته به آنها
معارضه جویی معاصر و از هم گسسته شدن نظام معنایی شهر	(شایگان، ۱۳۹۲؛ شایگان، ۱۳۹۳؛ پیران، ۱۳۹۵؛ حبیبی، ۱۳۸۳)	مواجهه با مدرنیته و اهنگ تغییر شهر ایرانی، تجدد و گسست در انتقال معنا و خاطره در شهر ایرانی، تجدد و پیوند آن با شاخصه‌های فرهنگی و بومی، امکان ایجاد پیوند میان خاطره جمعی و ارزش‌های دوران مدرن، حفظ روح شهر با ایجاد تعادل در تغییر و تداوم در انتقال معنا و خاطره در دوران معارضه‌جویی معاصر	مواجهه با دنیای مدرن و گسست در انتقال معانی و خاطرات

## نتیجه‌گیری

در این نوشتار، با هدف غایی دستیابی به چالش‌ها و مسائل واجد ارزش پژوهش پیرامون «خاطره جمعی» در شهر ایرانی، تدوین یک نظریه روش‌شناختی پیرامون شیوه برشماری و انتخاب مسائل واجد ارزش پژوهشی در دانش‌های میان‌رشته‌ای به عنوان یک هدف فرعی مدنظر قرار گرفته است. پایه شکل‌گیری این پژوهش، یک تجربه زیسته مشخص در تلاش برای انتخاب موضوع رساله دکتری شهرسازی پیرامون «خاطره جمعی در شهر» بوده است. به رغم سوابق پژوهشی پیشین در زمینه خاطره جمعی شهروندان، با آغاز دوره دکتری تخصصی و برقراری ارتباط میان نامزد دکتری و اساتید راهنما در زمینه انتخاب موضوع رساله، ضرورت رعایت دیالکتیک عام و خاص پژوهش و لزوم اتکای پژوهش به چالش‌های بستر سرزمینی ایران از جدیتی بیش از

پیش برخوردار شد و این پرسش اساسی مطرح گردید که اتکای به نظریات تدوین شده در شرایط سرزمینی مغرب‌زمین تا چه اندازه می‌تواند راهگشای نظریه‌پردازی در بستر سرزمینی-فرهنگی ایران‌زمین باشد و تا چه حد، پرسش‌های شکل‌گرفته بر پایه خلأ موجود در پیشینه علمی و نظریات فراسرزمینی از اصالت بومی برخوردار است و نوعاً چه تعلق به پژوهشگر ایرانی دارد. این مسئله انگیزه‌ای برای جستجوی مبنایی روش‌مند در زمینه شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهش در شرایط سرزمینی ایران و انتخاب موضوع بر پایه یک پژوهش مسئله-محور با احترام به اصالت بومی پژوهش گردید. با این توصیف، نگارندگان در وهله نخست کوشیده‌اند مسائل بوم-زاد و واجد ارزش پژوهش پیرامون «خاطره جمعی» در شهر ایرانی را به صورت روش‌مند معرفی نموده و به فهرستی از مسائل دست یابند که آغازگر یک جریان پژوهش بوم-خاست در این زمینه باشد؛ و در این راستا جستجوی مبنایی روش‌شناختی برای شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهش با رویکرد مسئله‌محور در چارچوب رعایت دیالکتیک عام و خاص پژوهش صورت پذیرفته که می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران علوم انسانی-اجتماعی و دانش‌های میان-رشته‌ای قرار گیرد.

مدل نهایی پیشنهادی، مبتنی بر فرآیندی در سه گام اساسی دربرگیرنده «تهیه فهرست اولیه مسائل» بر مبنای مشاهدات و تجارب شخصی و حرفه‌ای، «شناسایی و برشماری چالش‌ها و مسائل واجد ارزش پژوهش» بر مبنای ارزیابی چهار مرحله‌ای مسائل (نگاه موشکافانه، مطالعه اجمالی، تحلیل و جستجوی بازخورد و نتیجه‌گیری) و «تهیه و تدوین شناسنامه چالش‌ها و مسائل و ترسیم طرحواره پژوهش قابل انجام پیرامون آنها» است. در این چارچوب روش‌شناختی، پژوهشگر در آغاز با بهره‌گیری از مشاهدات عینی و تجربیات حرفه‌ای و پژوهشی پیشین خود و البته با اتکا به زمینه مطالعاتی پیشین و تحلیل پژوهش‌های مشابه پیرامون یک موضوع عام (در این مطالعه موردی، خاطره جمعی)، اقدام به شناسایی اولیه چالش‌ها و مسائل واقعی در بستر سرزمینی خود نموده و پس از آن ارزیابی مسائل اولیه به منظور حصول اطمینان از اصالت مسئله و جایگاه و ارتباط آن با دیگر پژوهش‌های به انجام رسیده و امکان انجام پژوهشی درخور فراهم می‌گردد. در این مرحله، پژوهشگر با انجام یک غربالگری چهار مرحله‌ای مبتنی بر فراترکیب و بازخورد (نگاهی موشکافانه‌تر به مقایسه شرایط موجود و وضع مطلوب، مطالعه نوشتگان مرتبط با مفاهیم مربوط به مسئله، انجام تحلیلی ترکیبی و دریافت بازخورد از اساتید راهنما و پژوهشگران مجرب)، مسائل واجد ارزش پژوهش را از میان مسائل اولیه باز می‌شناسد. مسائل واجد ارزش پژوهشی شناسایی شده در حوزه خاطره جمعی در شهر ایرانی عبارتند از: «انتقال معنا و تداوم خاطره در شهرهای معاصر»، «برهم‌خوردن تعادل تغییر، تداوم و ثبات و چالش تولید خاطره در شهرهای معاصر»، «چالش پیوند خاطرات جمعی با تجارب زیسته»، «چالش فاصله‌به‌خاطرآوردندگان و حاملان خاطرات با بستر شکل‌گیری خاطرات جمعی»، «خاطره‌زدایی به بهانه دستیابی به خدمات مدرن یا انتفاع اقتصادی»، «تغییر در سبک زندگی، تغییر در مفاهیم و اثرات آن بر خاطرات جمعی شهروندان» و «معارضه‌جویی انسان معاصر ایرانی و از هم‌گسسته شدن نظام معنایی شهر». هرچند با انجام دو گام نخست پژوهش به هدف کلیدی خود نزدیک شده، این گام‌ها می‌تواند با تهیه شناسنامه و طرحواره‌های پژوهشی مسائل به منظور انجام مقدمات مرتبط با تعریف پژوهش‌های مسئله‌محور ادامه یابد. با این حال، ارزیابی و انتخاب نهایی موضوع پژوهش بر پایه یک فرآیند مشخص از دایره بحث خارج و خود موضوع پژوهشی مستقل است.

## پی‌نوشت‌ها

1. Trustworthiness
  2. Credibility
  3. Triangulation
  4. External audit
۵. در مرحله ممیزی بیرونی، با توجه به ماهیت موضوع و مسأله (چالش‌های خاطره جمعی در شهر ایرانی)، از نظر سه متخصص (دکتر پرویز پیران استاد جامعه‌شناسی، دکتر مصطفی بهزادفر و دکتر جهان‌شاه پاکزاد اساتید طراحی و برنامه‌ریزی شهری) استفاده شده است. بدین ترتیب از این صاحب‌نظران پرسیده شده که «آیا چارچوب روش شناختی معرفی شده در شکل ۲ می‌تواند مبنایی برای شناسایی و برشماری مسائل واجد ارزش پژوهشی در علوم میان‌رشته‌ای در ایران فراهم آورد؟» و اینکه «آیا فهرست اولیه مسائل یازده‌گانه معرفی شده در جدول ۲ و استخراج مسائل هفت‌گانه برپایه فرآیند ارزیابی چهار مرحله‌ای معرفی شده در شکل ۲ و ۳، می‌تواند مسائل واجد ارزش پژوهش در زمینه خاطره جمعی در شهر ایرانی را پوشش دهد؟» و قوام فرآیند استخراج چالش‌های خاطره جمعی مورد تأیید این اساتید قرار گرفته و علاوه بر آن بر مفاهیمی همچون تداعی خاطرات و درج آن در مفاهیم مرتبط با چالش‌های خاطره تأکید گردیده است.
6. Transferability
  7. Thick description
  8. Maurice Halbwachs
  9. Ron Eyerman
  10. Bernhard Giesen
  11. Barbara Misztal
  12. Jeffrey Olick
  13. Edward Casey
  14. Aldo Rossi
  15. M. Christine Boyer
۱۶. لازم به توضیح است که در جستجوی اولیه ۲۲ مقاله احصا گردیده که از این میان، مقاله‌هایی که به پژوهش در زمینه خاطرات جمعی به عنوان مفهوم اصلی مورد تحقیق پرداخته‌اند، برگزیده شده‌اند. به عنوان نمونه مقاله‌هایی که خاطرات جمعی در آنها به عنوان مفاهیم فرعی ذیل مفاهیمی همچون حس مکان، هویت مکان، قصه‌های شهر و غیره مورد توجه قرار گرفته، در فرآیند انتخاب نهایی منابع به منظور انجام فراترکیب حذف گردیده‌اند.
17. Theory-driven
  18. Problem-based
  19. Look
  20. Read
  21. Synthesize
  22. Seek feedback
  23. The British database of Ph.D. opportunities, claimed to be the largest in the world.

## فهرست منابع

- اسماعیلیان، سحر، و رنجبر، احسان (۱۳۹۲). بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: تهران، میدان تجریش، میدان بهارستان و میدانچه تئاتر شهر). *آرمانشهر*، ۱۱، ۱۸۱-۱۹۴.
- باغ‌میرانی، مصطفی، اسماعیلی گیوی، محمدرضا، حسن‌زاده، محمد، و نوروزی، علیرضا (۱۳۹۷). طراحی مدل مسئله‌یابی پژوهش با استفاده از روش فراترکیب. *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۲، ۱۰۹-۱۳۰.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۵). *داستان تهران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۹). *الفبای کیفیت‌های فضایی برای طراحان*. تهران: آرمانشهر.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۲). مکان و بی‌مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه. *هنرهای زیبا*، ۱۴، ۴۰-۵۰.

- پرتوی، پروین (۱۳۹۴). پدیدارشناسی مکان. تهران: موسسه تألیف و نشر آثار هنری (متن).
- پیران، پرویز (۱۳۹۴). سرمقاله: سخن آغازین: حق مشخص به شهر مشخص. هفت شهر، ۴۹-۵۰، ۸-۵۱.
- پیران، پرویز (۱۳۹۵). حکمت خسروانی: دیالکتیک عام و خاص (سخنرانی در دوازدهمین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی ایرانشهر شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، خانه گفت‌وگو شهر و معماری). روزنامه اعتماد، شماره ۳۵۶۳، تاریخ ۹/۴/۹۵، ۷.
- پیروز، پوریا (۱۳۸۰). باززنده‌سازی مرکزکلانشهرها؛ پروژه‌های فرهنگی، تجربه شیکاگو. مدیریت شهری، ۸، ۷۸-۸۴.
- توسلی، محمود (۱۳۷۶). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران (جلد اول). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۸). فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی. صفه، ۲۸، ۱۶-۲۱.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۳). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسنی میان رودی، نسیم، ماجدی، حمید، زرآبادی، زهرا سادات سعیده، و زیاری، یوسفعلی (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم خاطره جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه‌شناسی. باغ نظر، ۵۶، ۱۷-۳۲.
- حسینی کومله، مصطفی (۱۳۸۸). مدیریت خاطره جمعی به کمک طراحی شهری: نمونه موردی ناحیه تاریخی لاهیجان. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی کومله، مصطفی، و ستوده علمباز، فاطمه (۱۳۹۲). نقش خاطره جمعی در باززنده‌سازی بافت‌های شهری: ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۴، ۷۰-۷۹.
- دانایی فرد، حسن، و کاظمی، سیدحسین (۱۳۹۰). پژوهش‌های تفسیری در سازمان: استراتژی‌های پدیدارشناسی و پدیدارنگاری. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سلطانی، مهدی (۱۳۹۹). بازتاب مفهوم خاطره جمعی در تاریخ‌نگاری معماری. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۲، ۱-۱۵.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۱). افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار. (مترجم: فاطمه ولیانی). تهران: نشر فرزانه روز.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۲). در جستجوی فضاهای گم شده. تهران: نشر فرزانه روز.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۳). بت‌های ذهنی و خاطره ازلی. تهران: نشر فرزانه روز.
- عابدی جعفری، عابد، و امیری، مجتبی (۱۳۹۸). فراترکیب، روشی برای سنتز مطالعات کیفی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۹۹، ۷۳-۸۷.
- عنانهاد، محمود، غلامعلی‌زاده، حمزه، و اسدی ملک جهان، فرزانه (۱۳۹۸). سنجش نقش خاطره جمعی در فرآیند احیای خانه‌ها و بافت‌های قدیمی ساغریسازان رشت. آرمانشهر، ۲۷، ۱۳۱-۱۴۴.
- غنائی، معصومه، و رازقی، علی‌رضا (۱۳۹۹). تأثیرشناسی مداخلات شهری بر خاطرات جمعی جامعه بومی در بازار تاریخی مشهد. نامه معماری و شهرسازی، ۲۶، ۴۹-۶۶.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (مترجمان: حسن دانایی فرد و حسین کاظمی). تهران: انتشارات صفار-اشراقی (نشر اصلی اثر ۲۰۰۷).
- گلرخ، شمین، و باقری، مهسا (۱۳۹۹). فضای عمومی یادمانی، تجسم کدام خاطره جمعی. صفه، ۹۱، ۶۷-۸۲.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی (مترجم: فرهاد مرتضایی). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (نشر اصلی اثر ۱۹۹۶).
- مدیری، آتوسا، و اشرفی زنجانی، آلاله (۱۳۹۳). باززنده‌سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از بلایای طبیعی و ... با تکیه بر هویت مکان. مسکن و محیط روستا، ۱۴۵، ۴۵-۶۲.
- میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۸). معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی. هنرهای زیبا، ۳۷، ۵-۱۶.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان (۱۳۹۴). روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری (مترجم: محمدرضا شیرازی). تهران: رخ‌داد نو (نشر اصلی اثر ۱۹۸۰).

- Adelaide Graduate Centre (2016). *Admission Research Proposal Template for Higher Degree by Research Applicants*. Retrieved February, 2018 from: <https://www.adelaide.edu.au/graduatecentre/forms/admission/docs/admission-research-proposal-template.pdf>
- Casey, E. S. (2000). *Remembering: a Phenomenological Study*. Bloomington, Ind.: Indiana University Press.
- Boyer, M. C. (1994). *The City of Collective Memory: Its Historical Imagery and Architectural Entertainments*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- California Institute of Integral Studies (2015). *MA Thesis/ Ph.D. Dissertation Proposal Assessment*. Retrieved February, 2018 from: <https://www.ciis.edu/Documents/Thesis-Dissertation%20Proposal%20Assessment.pdf>
- Craig, R. T., & Tracy, K. (1995). Grounded practical theory: The case of intellectual discussion. *Communication Theory*, 5, 248-272.
- Creswell, J. W. (2005). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (2nd Ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson.
- Ellis, T. J., & Levy, Y. (2008). Framework of Problem-Based Research: A Guide for Novice Researchers on the Development of a Research-Worthy Problem. *Informing Science: the international Journal of an Emerging Transdiscipline*, 11, 17-33, <https://doi.org/10.28945/438>.
- Evans, J. (2007). *Your Psychology Project: The Essential Guide*. London: SAGE Publications.
- FindAphD (UK's largest PhD project database) (2017). *Writing a Good Ph.D. Research Proposal*. Retrieved February, 2018 from: <https://www.findaphd.com/advice/finding/writing-phd-research-proposal.aspx>
- Glynn, L. (2006). A Critical Appraisal Tool for Library and Information Research. *Library Hi Tech*, 3, 387-399.
- Halbwachs, M. (1980). *The Collective Memory* (Translators: Francis J Ditter and Vida Yazdi Ditter). New York, USA: Harper & Row Colophon Books (Original work published 1950).
- Halbwachs, M. (1992). The Social Frameworks of Memory. In: Lewis AC (Ed.), *On collective memory*: Chicago, USA: The University of Chicago Press.
- Hosseini Koumleh, M., & Sotoudeh Alambaz, F. (2009). Methods and Techniques in Use of Collective Memory for Increasing Sustainability of Urban Environment. *Proceedings of Second International conference on whole life urban sustainability and its assessment, Loughborough University*.
- Hull, R. B., Lam, M., & Vigo, G. (1994). Place Identity: Symbols of self in the urban fabric. *Landscape and Urban Planning*, 2-3, 109-120.
- Kerlinger, F. N., & Lee, H. B. (2000). *Foundations of behavioral research* (4<sup>th</sup> ed.). Holt, NY: Harcourt College Publishers.
- Lak, A., & Hakimian, P. (2019). Collective memory and urban regeneration in urban spaces: Reproducing memories in Baharestan Square, city of Tehran, Iran. *City, Culture and Society*, 18, Article 100290, <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2019.100290>.
- Levy, Y., & Ellis, T. J. (2006). A systems approach to conduct an effective literature review in support of information systems research. *Informing Science Journal*, 9, 181-212.
- Linkoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Lowenthal, D. (2015). *The Past is a Foreign Country*. Cambridge: Cambridge University Press.



- Malinski, V. M. (2004). Nursing theory-based research : Parse's theory. *Nursing Science Quarterly*, 3, 201-207.
- Peirce, C. S. (1932). *Collected Papers of Charles Sanders Peirce, Volume I and II: "Principles of Philosophy and Elements of Logic"* (Editors : Hartshorne, C., & Weiss, P.). Cambridge, Massachusetts, USA : Belknap Press of Harvard University Press.
- Rossi, A. (1982). *The Architecture of the city*. Cambridge, Massachusetts, USA : MIT press.
- Sternberg, R. J. (2007). The importance of problem-driven research : Bringing Wachtel's argument into the present. *Applied and Preventive Psychology*, 1, 37-38.
- Tracy, S. J. (2007). Taking the plunge: A contextual approach to problem-based research. *Communication Monographs*, 1, 106-111.
- University of Salford (2018). *Guidance on Writing a Research Proposal*. Retrieved February, 2018 from : <https://beta.salford.ac.uk/sites/default/files/2018-10/Writing-a-Research-Proposal-Guidance.pdf>.
- Verran, J.A. (1997). The value of theory-driven (rather than problem-driven) research. *Seminars for Nurse Managers*, 4, 169-172.

## A Methodological Framework in Identifying the Research-Worthy Problems in the Field of “Collective Memory in Iranian Cities” by Adopting Problem-Based Approach

**Seyyed Abdolhadi Daneshpour**

Associate Professor, Department of Urban Planning and Design, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran (Corresponding Author)

**Mehran Alalhesabi**

Associate Professor, Department of Urban Planning and Design, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

**Mostafa Hosseini Koumleh**

Ph.D. Candidate, Department of Urban Planning and Design, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

### Abstract

Iranian cities have experienced a dramatic change (as a great contemporary challenge) since the last century, leading to a failure of physical, socio-cultural and ecological coherence and confronting collective memories with significant challenges. In such circumstances, the collective memories of the citizens are forgotten and we are faced with the cities that are alienated from their pasts whose soul and meaning have completely changed. Demolishing urban historical fabrics, irreparable damages to the physical, socio-cultural and ecological structure of the cities as well as a substantial change in lifestyles are some evidence of this drastic change. A change that could entail the need for research about collective memory in Iranian cities. That is why counting the indigenous research-worthy problems in this field becomes deeply significant. The aim of this study is to propose a methodological framework about the process of counting the context-based challenges and selecting the research-worthy problems –particularly focused on “collective memory in Iranian cities” – by adopting a problem-based approach and respecting the indigenous originality of the research. This research is qualitative, and the methodology is a combination of the case study approach (by studying a specific experience in choosing the research topic of Ph.D. in Urban Planning around “collective memory” as a general topic), qualitative meta-synthesis of the Iranian researches about collective memory and the methodological texts in the field of problem-based research (in order to find the method of identifying research-worthy problems). This process has been a reciprocal process between case study and qualitative content analysis of methodological texts. This means that firstly, after a meta-synthesis of Iranian researches about collective memory, a study has been conducted on the method of counting research-worthy problems, considering the need to observe the dialectic of the universal and the particular and indigenous originality of research, the need to rely on problem-based research and identify the real issues of Iran. Then, the proposed method has been used in a real case study of choosing the Ph.D. research topic. In this paper, seven problems including “meaning transmission and memory permanence in the contemporary city”, “an imbalance between change, continuity and constancy: the challenges of memory production in the contemporary city”, “disassociation between collective memory and lived experiences in the city”, “the distance between memorizers and memories”, “removing memories in order to gain modern services/ profit-making”, “changes in the lifestyle and concepts and its role on citizens collective memories” and “contemporary challenge and disintegrating the city meaning system” has been identified as the research-worthy problems in the field of collective memory in the Iranian cities, by using the proposed methodological framework and focusing on indigenous originality of the research. The final proposed methodological model is based on a three-step process including “preparing the initial checklist of the problems” resulting from personal and practical observations and experiences, “identifying the research-worthy problems” through a four-step evaluation of the problems (look, read, synthesize, conclusion) and “preparing concise proposals of possible researches about the problems”.

**Keywords:** Collective memory, problem-based research, research-worthy problem, universal and particular dialectics